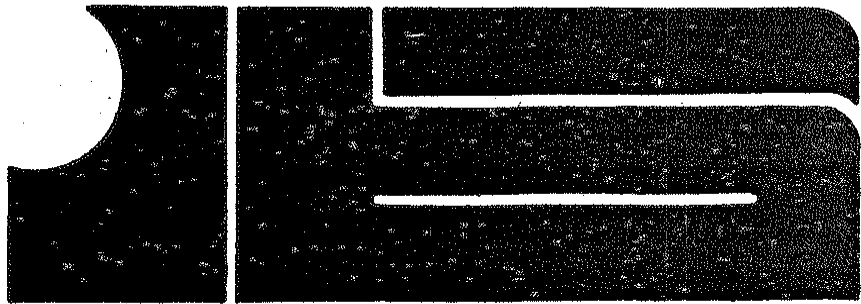


با تمام توان خود مساهبت
از تجاعی جنگ را افشا و با
مقاومت مسلحانه خود از منافع
زحمتکشان دفاع کنیم



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۸۵

پنجشنبه ۲۹ آبانماه ۱۳۵۹

۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

● سرمقاله چشم انداز یک بحران ژرف

هنگامی که نزدیک به دو ماه پیش جنگ دولتهای ایران و عراق آغاز شد، چنین تصور میرفت که یک موج وسیع شونیستی سراسر جامعه را فراگیرد و با توجه به اعتماد نسبی توده ها نسبت به حاکمیت لاقابل برای یک دوره دیگر جنگ، بر توهمات توده ها دامن بزند. اما امروز با آشکارترین وجهی می بینیم که آن شور و احساس ناسیونالیستی که در چند روز اول جنگ توده ها را فرا گرفته بود با سرعتی حیرت آور فرورکش میکند و برخلاف آنچه انتظار میرفت جنگ بسیار سریع تا غیر خود را بر زندگی و روحیات توده های مردم برجای گذاشته است بنحوی که نه تنها بر توهمات توده ها نسبت به حاکمیت نیفزود بلکه خود به عاملی جهت درهم شکسته شدن سریع این توهمات و رشد ناراضیاتی توده ها تبدیل شده است.

در چنین شرایطی که بحق باید آنرا نقطه‌ای عطفی در برخورد مردم نسبت به حاکمیت و تغییر در روحیات آنها دانست بررسی وضعیت سیاسی حاکم و داشتن یک چشم انداز روشن نسبت به آینده جنبش توده‌ای و بحران موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بدون یک چنین چشم اندازی هرگز نخواهیم توانست منطق با سرعت خارق العاده تحولات در امر انجام وظایف انقلابی خود گام برداریم.

امروز در هر مرکز تجمع توده‌ای، در کارخانه، قهوه‌خانه، در صف بنزین، صف خرید ما یحیاج زندگی، اتوبوس، تاکسی و در هر بحث مربوط به جنگ و در هر کجا که

بقیه در صفحه ۲

● افزایش مالیاتهای غیر مستقیم شیوه دیگری برای تامین هزینه های جنگ

هزینه های خود را که تنها در جهت منافع سرمایه داران و حفظ سیستم سرمایه داریست، عمدتاً از طریق بستن مالیاتهای غیر مستقیم بر کالاهای مورد نیاز زحمتکشان تامین کنند.

دولت جمهوری اسلامی نیز همزمان با آغاز جنگ که زندگی، خانه و کاشانه بسیاری از هموطنان زحمتکش را بیهوشنا بودی کشانده است، جنگی که هیچ شمری جز بدبختی و فلاکت برای زحمتکشان ندارد

بقیه در صفحه ۱۸

در شرایطی که توده های مردم بانحاه مختلف تحت فشارهای اقتصادی قرار گرفته اند و روزی نمیگذرد که بر تعداد بیکاران و قیمت کالاهای مورد نیاز زحمتکشان افزوده نگردد، دولت بمنظور تامین هزینه های جنگی خود با افزایش مالیاتهای غیر مستقیم، بخش دیگری از هزینه های جنگی را بردوش توده های زحمتکش قرار داده است.

دولتهائی که از منافع سرمایه داران دفاع می کنند، همیشه می کوشند

جنگ، کارگران و اضافه تولید

صفحه ۵

حمل محمولات نظامی از آمریکا به سلطنت آباد

صفحه ۱۰

در این شماره:

● اخبار کارگری

● هسته های سرخ

● افشاگری های سیاسی

● گزارش روستائی

رئیس کل بانک مرکزی از ابقاء قرارداد های اسارت با دفاع می کند!

اکنون که مسئله آزادی گروگانها در دستور کار دولت قرار گرفته است، دولت جمهوری اسلامی برای توجیه سیاست سازشکارانه خود مبنی بر عدم محاکمه این جاسوسان، ناچار است به گوشه ها ئی از وابستگی های اقتصادی و قراردادهای نظامی ایران به امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست ها اعتراف نماید و چنین وانمود سازد که حیات اقتصادی ما و بعبارت دیگر بخش عظیمی از دارائی های ایران در چنگ امریکاست و ایران قادر است با باز پس دادن جاسوسها به این ثروت خویش دست یابد.

برای اولین بار در شهریور ماه گذشته بود که میزان دارائی های بلوکه بقیه در صفحه ۱۸

اعتصاب تاکسیرانان

صفحه ۲۴

سیرقه قرائی "کمیته مرکزی"

صفحه ۱۵

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

چشم انداز يك بحران...

بقیه از صفحه ۱

توده ها هستند شاه دزد مزه های مردمی هستیم که هر یک بنحوی ناراضی خود را از وضع موجود ابراز میدارند. این مردم نه بورژواها و عناصر مرفهیی که انقلاب زندگی آرام و پر عیش و نوش آنها را برهم زد بلکه همان توده های زحمتکشی هستند که با صفوف بهم فشرده، علیه نظم موجود طغیان کردند و جنبشی کم نظیر را پدید آوردند. همان توده های زحمتکشی که بر بستریک بحران فراگیر و ژرف دست به اقدام مستقل تاریخی زدند و با آزمون اشکال متنوع مبارزات اقتصادی و سیاسی، اعتماد بها، تظاهرات راهپیمایی ها، میتینگ ها و سرانجام با یک قیام مسلحانه رژیم سلطنتی شاه را سرنگون کردند. بحران انقلابی که به سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید بر بستریک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی، فشارهای روز افزون اقتصادی بر توده ها، سلب ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی و بالاخره غارت امپریالیستی مبین ما شکل گرفته بود. انقلاب میبایست به علت هایی که یک چنین بحران ژرفی را پدید آورده بود و ضرورت هایی که انقلاب زاده آنها بود، پاسخ گوید اما مسیر رویدادها بگونه ای دیگر بود. حاکمیتی که با سرنگونی رژیم شاه مزدور بر سر کار آمد، نه میخواست و نه میتواند به این نیازهای توده ها و ضرورت های انقلاب پاسخ گوید. اکنون با گذشت نزدیک به دو سال از قیام بهمین ماه، توده ها در زندگی روزمره و تجربه شخصی خود تا حد زیادی بدین مسأله وقوف یافته اند که حاکمیت قادر نیست بخواست ها و نیازهای آنها پاسخ گوید و بر بحران هایی که مدت ها است جامعه را فرا گرفته است فائق آید. توده هایی که نزدیک بدو سال به وعده و وعیدهای حاکمیت دلخوش کرده بودند، اکنون به پوچی تمام این وعده و وعیدها پی میبرند. آنها میبینند که با گذشت هر روز، شرایط زندگی آنها دشوارتر میشود و بیش از پیش در معرض تهدید ناشی از فقر و خانه خرابی قرار میگیرند. بر چنین زمینه های عینی و بر بستری بحران اقتصادی و سیاسی موجود است که با آغاز جنگ و شدت یافتن فشارهای اقتصادی و سیاسی، پروسه در هم کوبیده شدن توهمات توده ها نسبت به حاکمیت سرعت گرفته و هر روز که میگذرد اعتماد آنها نسبت حاکمیت بیش از پیش سلب میشود.

بررسی اوضاع اقتصادی جامعه به آشکارترین وجهی نشان میدهد که حاکمیت به هیچوجه قادر نبوده و نیست که ذره ای از ابعاد فاجعه انگیز بحران اقتصادی موجود و فشارهای ناشی از آن بکاهد، بلکه طی این مدت مدام این بحران مزمن تر و گسترده تر شده است. عواقب فلاکت بار این بحران تاکنون برای توده ها همانانابیکاری، گرسنگی، گرانی

فقر و خانه خرابی بوده است. مادر نبرد خلق به تفصیل دلایل این مسأله را که چرایی حاکمیت کنونی قادر نیست بر بحران اقتصادی موجود فائق آید، بررسی کرده ایم و در عمل نیز نشان داده شده است که تمام اقدامات و فرم های هیئت حاکمه ذره ای از بار بحران نکاسته است.

اکنون بر روز جنگ باز هم بر ابعاد این بحران و فشارهای ناشی از آن افزوده و خواهد افزود. اقتصادی که اساسا متکی به درآمد های کلان نفت بوده است، اکنون با ضربه خوردن این رشته بکلی از هم گسیخته شده است. گرچه شرایط پس از قیام و بحران اقتصادی و سیاسی موجود باعث شده که میزان درآمد های دولت به میزان قابل توجهی از این رشته اقتصادی کاهش یابد اما با این وجود هنوز هم یکی از مراکز اصلی درآمد های دولت محسوب میشود. چنین بنظر میرسد که دولت در آستانه یک ورشکستگی تمام عیار دست و پا میزند، نه تنها تا مین هزینه های جنگ بلکه پرداخت های دولت حتی به کارگران و کارمندان که مستقیما در استخدام او هستند با مشکلات متعددی روبرو شده است. در این میان چاره کسانی جز توده های زحمتکش باید باشد. مختلف با هزینه های جنگ و ورشکستگی دولت را بردوش بکشند. سوای این مسأله که اقتصاد در مجموع در حالت رکود بسر میبرد و بسیاری از کارخانه ها و موسسات تولیدی ورشکسته که در اختیار دولت قرار دارند، در حالت تعطیل یا نیمه تعطیل به سر میبرند، جنگ باعث نابودی برخی از صنایع شده و برخی از رشته های فعالیت اقتصادی نیز بکلی تعطیل یا نیمه تعطیل شده است. مدام بر تعداد بیکاران افزوده می شود و قیام است ما بحتاح اولیه زندگی توده ها با سرعتی حیرت آور در حال افزایش است. دولت با افزایش مالیات های غیر مستقیم بر فشارهای خود نسبت به توده ها افزوده است. این فشارها آنچنان ابعاد یافته است که توده ها علی رغم تضییقات سیاسی و اجتماعی حاکم علنا از وضعیت موجود ابراز ناراضی می کنند.

در چنین شرایطی از اوضاع وخیم اقتصادی و فشار بردوش توده های زحمتکش است که بحران درونی هیئت حاکمه به نهایت حدت خود رسیده است. لیبرالها که پس از اشغال سفارت امپریالیسم آمریکا بکلی مفتضح و بی اعتبار شده بودند و بسیاری از مواضع قدرت را بنبغ بورژوازی کلریکال از دست داده بودند، سعی می کنند از اوضاع سیاسی و اقتصادی موجود در رشد ناراضی توده ها حداکثر استفاده را بنبغ خود بکنند و موقعیت خود را در دستگاه دولتی مستحکم تر نمایند. بنی صدر این لیبرال زیرک، تمامی ناسامانی را بگردن بورژوازی کلریکال و رهبری سازشکار خریده بورژوازی سنی می اندازد و اینک نه

از موضع حاکمیتی که دیگر چندان مورد اعتماد توده نیست بلکه از موضع اپوزیسیون حاکمیت سخن می گویند و سعی می کنند در شرایطی که هیچ آلترناتیو نیرومندی از نیروهای انقلابی در جامعه وجود ندارد، توده ها را بسوی خود جلب کنند و با تکلیف حمایت توده ای رقبای خود را شکست دهد. اما از هم اکنون با قاطعیت تمام میتوان گفت، که در شرایط سیاسی موجود بضر این که لیبرالها بتوانند، موقعیت برتری را نسبت به کلریکالها کسب کنند، باز هم بنی صدر و لیبرالهای دیگر قادر نیستند پاسخگوی بحران موجود باشند. حزب جمهوری اسلامی که اکنون به میزان وسیعی پایسته توده ای خود را از دست داده و بیش از پیش به اهرمهای قدرت متوسل شده است بسادگی تسلیم لیبرالها نخواهد شد و با تکیه بر ارگانها و نهاد هایی که بیشتر مورد حمایت و تأیید است و نفوذ بیشتری در آنها دارد می کوشد موقعیت خویش را حفظ کند. اما در این مسئله کمترین تردیدی نیست که بورژوازی کلریکال ناتوانی خود را در حل بحران موجود نشان داده و اکنون به بن بست رسیده است. و درست در همین مقطع و با بهره برداری از شرایط مناسب است که رقبای لیبرال حزب حملات گسترده ای را علیه آن آغاز نموده اند. از هر گوشه و کنار صدای لیبرالها و وابستگان به بورژوازی بزرگ بلند شده است و حتی عناصر رسوائی چون قطب زاده، این عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا که تا دیروز در کنار بورژوازی کلریکال در شورای انقلاب و در راس رادبوتلویزیون و وزارت امور خارجه، سیاستهای ضد خلقی حاکمیت را اعمال می کرد و پایه ساز نسو ر رادر رادبوتلویزیون بنا گذاشت، اکنون "آزادیخواه" شده و علیه سیاستهای "انحصار طلبانه"، "جواختناق" و "سانسور" سخن می گوید، تا شاید بنا عوامفریبی، دوباره برای خود کسب حیثیت کند. جنگ نه تنها در روحیه مردم تغییراتی علیه بورژوازی کلریکال و سران سازشکار خریده بورژوازی و بنبغ لیبرالها پدید آورد، نه تنها باعث شد که ارتش در بست در اختیار آنها قرار گیرد و زمینه های بسیار مناسب برای بازسازی و تجهیز آن فراهم شود، بلکه لیبرالها هر یک به انحاء مختلف از این فرصت استفاده کرده و دار و دسته های مسلح خود را پدید آورده اند، اکنون نیروهای ضد انقلاب در گوشه و کنار مملکت در حال سازماندهی و تجهیز دار و دسته های مسلح وابسته به خود هستند. سنخایی چندین هزار نفر را در کرمانشاه مسلح کرده است، فروهر بنحوی دیگر در حال تسلیح نیروهای وابسته به خود است. چمران گروهی دیگر را تحت رهبری خود سازماندهی می کند. سران مرتجع ایلات و عشایر نظیر خانهای تشقائی، بقیه در صفحه ۹

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



کارگران متحد "ابهریلاست" بر کارفرمایان پیروز شدند!

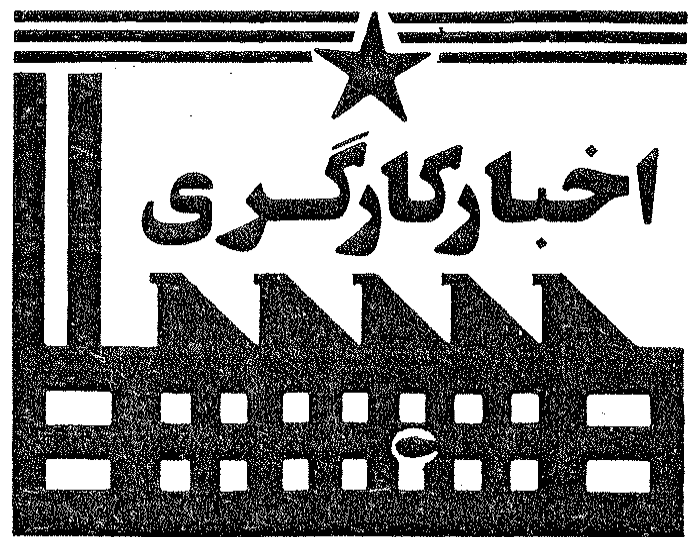
کرده بود. کارگران هم آمدند و انتخابات سروری انجام شد و شش نفر از آنها بعنوان اعضای شورا انتخاب شدند و یکمالتی هم شورای شورا در نظر گرفته شد. کارگران کارفرما را وادار کردند شورا را تأسیس کنند و کارفرما گفت "اگر اداره کار موافق باشد منم موافقم". پنج روز بعد ما موراداره کار رسیدایش شد، او که وظیفه خود را دفاع از کارفرما میداشت، گفت "ما آئین نامه ای برای تشکیل شورا نداریم شما باید فقط بکنفر نماینده انتخاب کنید!" کارگران ضمن افشای نامه ای که لست ۳۵ کارگر اخراجی در آن نوشته شده بود کارفرما میخواست اول این کارگران آگاه و سپس بقیه را اخراج کند، به نمایندگی اداره کار گفتند: "چرا وقتی عریضه دادی نگه داشته شدی و کله شما برای گرفتن حقش پیدا نشد؟ چرا وقتی درخواست نصب بهونه در کارخانه را کردیم شما سرینت بنا آوردید؟ چرا برای گرفتن حق روزهای تعطیل

پیدا نشد؟ چرا....." نماینده اداره کار زیر زنگار و رسوالات افشا کننده کارگران قرار گرفته بود و عیب جویی نداشت. کارگران در مقابل تلاشهای مذبحخانه و فزونی کارخانه ما سده مرسوم گفتند: ما بحای بانک نماینده است نماینده انتخاب کرده ایم که بهر از حق خود دفاع کنیم. کارفرما و نماینده بخمال خود آخرین برگ خود را نیز برای ایجاد نفرت در صفوف متحد و یکپارچه کارگران بر زمین زدند و گفتند: "اینها (نماینده ها) کمونیست هستند". کارگران با بوزخد خویش چنان جواب دتدان شکنی دادند که آنها ناگزیر شورا را تأسیس کرده و سرافکنده کارخانه را ترک کردند و بدینگونه کارگران مبارز "ابهریلاست" پس از چند ماه توانستند اولین شورای واقعی خود را برای دفاع از حقوق حقه خویش و مقابله با توطئه های کارفرما و اداره کار تشکیل دهند. و به یقین، اگر همینگونه که تا کنون متحد بوده اند اتحاد خویش را حفظ کنند به پیروزیهای درخشانتری نیز دست خواهند یافت.

کارگران مبارز "ابهریلاست" نشان دادند که فقط کارگران متحد و متشکل در شوراها و سازمانهای واقعی خویش قادر خواهند بود شکست ناپذیری علیه سرمایه داران و حامیان آنها تشکیل دهند و به مبارزه ای بیامان علیه هرگونه استثمار و چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان دست زنند. در تداوم یاد پیروزی مبارزات کارگران "ابهریلاست".

کارگران مبارز کارخانه "ابهریلاست" پس از مبارزه ای متحد و پیروز شدند. اولین شورای کارگری کارخانه را بنیان نهاده اند. کارخانه "ابهریلاست" تولیدکننده طنابهای پلاستیکی و مصنوعات نایلونی است. در این کارخانه از هنگام تا سس (که چند ماهی از آن میگذرد) تا کنون هیچ مشکل کارگری وجود نداشته و همین جهت کارفرما که از این وضع بسیار راضی بود خودش حرات داده و هر روز پس از روزی به حضور کارگران حاضر میگردد.

بعد از شروع جنگ نا عا دلاسه دولت های ایران و عراق، کارفرمایان کارخانه سرهما بدد کارفرما بعه داران به اشکال مختلف سعی داشتند استمرا را تسد کرده و دسترنج کارگران را سرخا اول کند. ملاحظا موسسه سانه، کمبود مواد اولیه و غیره..... را دست آور ترا داده و تعدادی است حقوقی روزهای تعطیل را بر دارد، ولی کارگران آگاه که در همه جا حاضرند در کارفرماها و سرمایه داران هستند در اینجا نیز با امتیازهای حیلها کارفرما موافقت نمی شدن آن می نمودند تا اینکه کارفرما دست به حیلها زده و او را با زدهم آنان، دوس از کارگران آگاه را به دفترش احضار کرد و با حربه رسانی میخواست آنها را تطمع کند. او آنها را گفت: اگر از اینجا بروید فلان قدر شما خواهم داد دورضا بستان را حلت می کنم و هزار جالبوسی دیگر... ولی از آنجا که یک کارگر آگاه، کارگری که به آگاهی طبقاتی دست یافته باشد و با کویست و پوستن لمس کرده باشد که سرمایه دار (هر که باشد، با هر رنگ، و لباس) دشمن کارگر است، هرگز فریب حیلها و نیرت های کارفرما را نخواهد خورد، دو کارگر آگاه "ابهریلاست" نیز فریب نخوردند و خیر اخراج آنها در کارخانه پخش شد. کارگران دست از کار کشیده و اجتماع کردند و از کارفرما توضیح خواستند. کارگران شیف دوم نیز از راه رسیدند و به اجتماع کارگران پیوستند. پیچها در گرفت و همه آغاز شد. کارگران به مشورت پزدا ختند و توطئه های کثیف کارفرما را برای یکدیگر افشا میکردند کارگران به این نتیجه رسیدند که در برابر اتحاد کارفرمایان با یکدیگر و با اداره کار! آنها نیز باید متحد شوند و شورایی برای دفاع از حقوق خود تشکیل دهند. یک مینی بوس به ده مجاور (قیروه) رفت تا بقیه کارگران را هم بیاورد. اداره کار کارفرما قبلا گفته بودند که "شوراها فقط یک نفر نمایندگی"، و کارفرما چندی پیش یک نفر نماینده قبلی کارگران را نیز اخراج

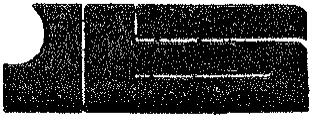


با اتحاد و مبارزه کارگران پالایشگاه آبادان، وزارت نفت بخشنده خود را پس گرفت

در تاریخ هفتم آبان بیش از سه هزار تن از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان در ارتباط با بخشنامه ای که از طرف وزارت نفت صادر شده بود در مقابل ساختمان وزارت نفت اجتماع کردند. طبق مفاد این بخشنامه، کلیه کارکنان و کارگران پالایشگاه نفت آبادان که بیش از ۲۱ روز غیبت داشتند میبایست اخراج شوند. پس از مبارزه ای که در آبادان پالایشگاه آبادان و از کار افتادن دستگاههای آن و نیز به علت مبارزه های شدید محله ها و مناطق مسکونی آبادان، مردم شهر گروه گروه مجبور به ترک شهر شدند، در واقع مردم عادی در زیر آتش مرگبار رومدا و موهوایماها و توپخانه عراقیها مجبور به ترک شهر شدند. در آبادان دیگر نه پالایشگاهی وجود داشت که کارگران بمانند و کار کنند و نه تامین جانی برای کارگران و زحمتکشان آبادانی که از آتش مدام و بیرحمانه ارتش ضد خلقی عراق در امان باشند. مردم در حالی شهر را ترک کردند که هرگونه فعالیت عادی متوقف شده بود و آتش دشمن مدام بر سر آنها میبارید و روزی نبود که دهها تن از مردم زحمتکش به شهادت نرسند. در چنین شرایطی وزارت نفت بخشنامه کذافی خود را صادر کرد.

روز هفتم آبان دوش از کارگران و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان در حالی که وجودشان از خشم و نفرت آکنده بود، در حالی که فریاد می کشیدند، به مقابله با بخشنامه ها و اعمال ضد کارگری رژیم برخاستند. آنها از جبهه بقیه در صفحه ۱۹

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



قالیچه‌ای با آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

طی سالها مبارزات خونین و قهرمانانه خود با عزمی پولادین همیشه در سنگر کارگران و دهقانان و تملک‌مندی زحمتکشان، علیه امپریالیسم و سرمایه داران روزمینی داران بزرگ جنگیده و می‌جنگند.

دروودبر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
دروودبر کارگران، دهقانان و تملک‌مندی زحمتکشان
مرکز امپریالیسم و یگانه داخلی
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - صحنه



★ این قالیچه که با طرحی از آرم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بافته شده، دست‌بافت یکی از زحمتکشان مبارز و روح‌کشیده روستایی از منطقه دینور صحنه می‌باشد. که با سلیقه‌ای پاک و ساده و با قلبی آکنده از عشق به خلق به وسیله دست‌ان آفتاب سوخته و ترک خورده ساخته شده و تقدیم به انقلابیون و پیشاهنگانی می‌شود که

نامه زیر به همراه قالیچه‌ای منقش به آرم سازمان توسط هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از صحنه فرستاده شده که بنا به تقاضای خودشان در کاردرج می‌گردد.
متأسفانه بدلیل فزونی مطالب قادر به چاپ تصویر قالیچه نشدیم.

تحولات اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و موضع ما

صف‌بندی سیاسی - ایدئولوژیک و انحرافات که هم‌اکنون در جنبش کمونیستی ایران شکل گرفته، محصول رشد مبارزه طبقاتی درون جامعه است. این دگرگونی‌های اجتناب‌ناپذیر، نمودش را به شکل بارز در سازمان ما به صورت انشعاب "کمیته مرکزی" خود را نشان داد.

رفقای رزمنده و همسنگر سراسر ایران! ما به دلایل زیر از تشکیلات اکثریت "کمیته مرکزی" جدا شده و به جناح انقلابی سازمان "اقلیت" به عنوان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوستیم.
اکثریت "کمیته مرکزی" بانفی مبارزه طبقاتی و پذیرش سازش طبقاتی، مستحق است که از صحنه صوت نشان داد.

۱ - در مورد جنگ کردستان و سرکوب خلق کرد از جانب حاکمیت، قبل از اعلام آشکار مواضع سازشکارانه، عامل جنگ افروزی را حاکمیت می‌دانست، سپس بتدریج به جناح بندی درون حاکمیت و بخش خلقی و ضد خلقی متوسل شد و پس از مذاکره با بهشتی و دیگران ناگهان جنگ در کردستان بین خلق کرد و نیروهای سیاسی اعلام شد و شعار "سرکوبگران خلق کرد، دشمنان همه خلقهای ایرانند" از روزنامه حذف شده و جنگ کردستان به جنگ برادر کشی به دلیل فقدان دید سیاسی حاکمیت قلمداد گردید.

۲ - قانون اساسی درحالی‌که نهایت ارتجاعی ارزیابی می‌گردد، در مقالات بعدی می‌نویسد: خلق کرد می‌توانند بسیاری از حقوق دمکراتیک خود را در چهارحوب قانون اساسی بیست‌اند.

۳ - "کمیته مرکزی" در "کار ۴۴" می‌گوید: نکته مثبت در سخنان بنی‌صدر تا کید برآزادیهای سیاسی است و اعتقاد داریم که آقای رئیس‌جمهور بنا به گامهای عملی در این زمینه بردارد. در "کار ۴۸" می‌گوید: "بنی‌صدر هم مثل حزب جمهوری راه سرکوب خلقها و راه مقابله با کمونیستها را در پیش گرفته". در "کار ۵۹" وی را اصلح طلب و اعمال وی را اقدامات مثبت برای خلقها می‌داند، و بعد در "کار ۷۵" می‌نویسد: تا کید برآزادیهای سیاسی تا کیدی درست است "و بالاخره در تلگراف ۴ مه ماه خود، بدون هیچگونه تحلیل قبلی شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را بی‌آمیختن خون پاسدار فدائی "سرمی‌دهد".

اینهمه سخنان ناسخ و منسوخ در مورد سردمداران جمهوری اسلامی و عدم وجود تحلیل از حاکمیت سیاسی از خصوصیات اپورتونیسم است که متناسب با شرایط موضع‌گیری کرده و واقعیات را از چشم‌توده‌ها پنهان می‌سازد. آنان می‌کوشند که تمامی حرکات ضد انقلابی حاکمیت را به عناصر رویا یا ندهای واهی درون حاکمیت منتسب نموده و به این ترتیب امتیازی از حاکمیت دریافت دارند.

اکثریت "کمیته مرکزی" هنوز به مسئله اساسی انقلاب یعنی قدرت واقعی حاکم پاسخ روشن و قطعی نداده است. قبل از تسخیر سفارت حاکمیت را خرده بورژوازی که قدرت را به بورژوازی سپرده است دانسته و بعد از تسخیر سفارت علیرغم اینکه نخست وزیر در شورای انقلاب ایجا می‌شود و جناح بورژوازی حاکم قدرت واقعی را در دست دارند، ناگهان وجه غالب حاکمیت خرده بورژوازی می‌گردد.

به قول لنین، اپورتونیسم میان نظرات ناسخ و منسوخ خود چون ما به خود می‌پیچد.
"کمیته مرکزی" که به دنبال بندوبستهایش با بالائیها و ارگانهای حاکم تحلیل‌هایش دگرگون می‌شود نمی‌تواند هواداران آگاه و مبارز سازمان را وجه المصلحه اهداف خویش قرار دهد، اما بر زمینه ناآگاهی بخشی از هواداران چند صاچی ممکنست با استفاده از نام پرافتخار سازمان به حیاتش ادامه دهد.

ما هواداران سازمان به دلایلی که بر شمردیم، همکاری خود را با سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران ادامه داده و می‌کوشیم که بر کاستیهایش فائق آمده و برای تحقق اهداف سازمان که همانا تحقق خواستههای کارگران و زحمتکشان است، بکوشیم.

پیروز بیاد رزم کارگران و زحمتکشان
نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و یگانه داخلی

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آمل

۱۶ مهر ۵۹

هر چه گسترده‌تر با دهمکاری و اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مترقی



جنگ، کارگران و اضافه تولید

شعار "تولید بیشتر از هر سو بگوش میزند. سرمایه داران و نمایندگان نشان که فرصت مناسبی برای چپاول و استثمار هر چه بیشتر کارگران یافته اند، صبح تا شب با فریاد "تولید بیشتر" حنجره می درند. سردمداران جمهوری اسلامی و مسئولین وزارت کار بمناسبت پیش گسوتان این طبقه، علم داران این شعار میباشند. آنها با اتکاب به ارگانهای تبلیغی و رسانه های گروهی مدام فریاد می کشند، جنگ است، جنگ! "باید با تمام قوا همه در آن شرکت کنیم!" و شرکت کارگران در این جنگ یعنی "اضافه کردن تولید کارخانجات!!" و بدنبال ایجاد چنین جوی در جامعه است که کارخانه داران نیز با وقاحت تمام بازو در بازوی یکدیگر بدنبال علم داران خود راه افتاده و فریاد می کشند: هر که با اضافه تولید مخالفت کند، "ضدانقلاب است!!" "عجبا، سرمایه داران زکی تا بحال از انقلاب دفاع می کنند. برای کارگرانی که تا حدی آگاهی دارند این مسئله روشن است. انقلاب از دید سرمایه داران یعنی تقویت ضد انقلاب

زیرا آنچه که برای پرولتاریا انقلابی است برای بورژوازی ضد انقلابی است. اما شعار "تولید بیشتر" فقط از جانب سرمایه داران و نمایندگان نشان در هیئت حاکمه نیست که گوش کارگران را آزار می دهد. اپورتونیسیم راست نیز بدنبال آنها روان شده و در حالیکه با یک دست به دامن بورژوازی آویزان گشته با دست دیگر از کارگران ملتسمانه خواهش می کند: "تولید را بالا ببرید!" "میهن انقلابی در خطر است!" "از استقلال میهن دفاع کنید!" بلکه اپورتونیسیم راست و در رأس آنها "کمیته مرکزی" که اکنون وظیفه خودشان را در آمیختن "خون خود با پاسداران" - این نیروی مسلح حاکمیت ضد انقلابی - می دانند، خدمتگزاری به بورژوازی را به اوج خود رسانده اند. آنها در حالیکه به حمایت از ذهنیت عقب مانده ترین امتحار کارگری پرداخته اند، با طرح اخبار دست و پا شکسته ای از برخی کارخانه ها به تبلیغ شونیسم مشغولند. آنها سعی می کنند با این اخبار، به تبلیغ شعار "تولید بیشتر" پرداخته و از مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران جلوگیری نمایند.

آنها که تا دیروز با سیاستهای خسود سازش طبقاتی را تبلیغ می کردند، امروز دیگر خدمتگزاری به بورژوازی را طرح می کنند و اینجاست که چهاره آنان بخوبی افشاشده و کارگران با حرکات انقلابی خود این آستان بوسان بورژوازی را طرد می کنند. اخبار زیر گوشه ای از اعتراضات کارگران را در مقابل طرح اجباری اضافه کاری که برای "افزایش تولید" می باشد نشان میدهد. این اخبار خوبی نشان میدهد که چگونه سرمایه داران با حیلها و توطئه های گوناگون تصدافزایش تولید را داشته اند و چگونه کارگران را در این رابطه تحت فشار قرار میدهند. این اخبار نه یک بار بلکه دهها بار دیگر اثبات می کند که شعار "تولید بیشتر" بضع بورژوازی و خدمتگزاری با نوبز علیه منافع طبقه کارگر ایران میباشد.

کارخانه بافکار

در کارخانه بافکار تا کنون سه بار با حیلها و مختلف قصد تحمیل اضافه کاری به کارگران را داشته اند که هر سه بار با اتحاد و مبارزه کارگران طرح سرمایه داران با شکست روبرو شده است. بار اول در پنج مهرماه بود. کارفرما که با استفاده از شرایط جنگی ساعات کار را به دوازده ساعت در روز افزایش داده بود، تاب مقاومت در برابر کارگران نماند و در کارگران که تعدادشان بیش از سیصد نفر بود با اجتماع در دفترشورا و مدیریت و با اعتراضات خود توانستند ساعات کار را از دوازده ساعت به شش ساعت در روز - مثنی تمام هفته - تقلیل دهند. بار دوم در

تا ریح ۲۳ مهرماه بود. مدیریت که با حقه فوق نتوانسته بود بر سود خود بیفزاید به حیل دیگری متوسل شد. او طرح کرد که "چهار ساعت اضافه کاری روزهای پنجشنبه را بایده برای کمک به برادران در حال جنگ بفرستیم و شما نباید آنرا تقاضا کنید!" او که توجیحات زیادی برای اثبات این ادعا مینمود و بر آن اصرار میورزید، وقتی با کارگران متشکمل مخالف این مساله روبرو شد، حرف خود را پس گرفت و قضیه تازه آنموقع ماهیتش روشد که عده ای از کارگران گفتند:

"اگر راست میگوئی، تمام تولید این چهار ساعت اضافه کاری را برای جنگ بفرست، چرا فقط میخواهی حقوق ما را بفرستی؟"

حدس میزنید مدیر عامل کارخانه چه جوابی به کارگران داد؟ او که گیر افتاده بود راه گریزی برای خود نمی یافت و همچنین حاضر نبود از خودش مایه بگذارد گفت: "موافق نیستم" ولی حاضر شد که از کم کردن حقوق چهار ساعت اضافه کاری پنجشنبه ها صرف نظر کند. در این رابطه ماهیت سرمایه داران و حقه آنها در رابطه با جنگ یکبار دیگر برای کارگران افشاشده و کارگران طعم موفقیت را یکبار دیگر چشیدند. بار سوم در ۲۹ مهرماه بود کارفرما دست بردار نبود. مدام دنبال راههای جدید استئما ر بیشتر میگشت

با لآخره حیل جدیدی پیدا کرد: برقرار کردن شیفت کار در شب. این بار نیز به طرق گوناگون و با استفاده از عباراتی چون "ایران در خطر است"، "اسلام در خطر است"، "جنگ، در پشت جبهه یعنی تولید بیشتر"، سعی نمود این طرح را پیاده کند. رئیس قسمت بافندگی هم به مدیر عامل قول داده بود که از تمام تجارب خود در راه این مساله استفاده کند.

آنها ابتدا با تهدید با اخراج سعی در بکار گماردن کارگران با فتنه در این شیفت نمودند اما وقتی موفق نشدند با وعده و وعید خواستند به هدفشان برسند. آنها قول "استاد سرویس" شدن را که حداقل به چندین سال سابقه کار فنی و تجربه نیاز دارد به کارگران دادند اما با زهم موفق نشدند. کارگران قسمت که دیگر خشم تمام وجودشان را گرفته بود، در ۲۹ مهرماه از ساعت شش تا یازده صبح حدود ۸۵ ماشین بافندگی را خوابانده و در همین رابطه خواستار اخراج رئیس قسمت شدند. مدیر عامل در جمع کارگران حاضر شد و گفت: اگر این رئیس برود منم میروم. کارگران همه با هم گفتند:

هر چه زود تر تشریف ببرید!
شورا بستان (منظور شورای زرد کارخانه است) راهم با خود ببرید، خودمان کارها را راست و ریس میکنیم"

و بدین ترتیب کارگران این بار نیز مخالفت خود را با اضافه کاری اجباری نشان دادند.

کارخانه تاسیسات تهران، پاكسان

در این کارخانه ساعات کار از صبح تا پنج بعد از ظهر بطوریک روز در میان شده است اما کارگران انبار یکی از شعب بدلیل ویژگی کارشان ناچارند هر روز همین ساعات را بکار مشغول باشند ولی مدیریت

و دویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

جنگ، کارگران واضافه تولید

بود فرصت را اغنیمت شمرده و ساعات کار را از صبح تا پنج بعد از ظهر تعیین کردند. این مسأله مورد اعتراض اکثریت کارکنان شرکت قرار گرفته و مانع اجرای آن میشوند. کارکنان شرکت علاوه بر زیاد بودن ساعات کار مسأله خطر بمباران هوایی را نیز که تاکنون در عصرها صورت گرفته است مدنظر داشتند. درگیری کارکنان با مدیریت ادامه داشت تا اینکه در جلسه ۲۲ مهر موفق به عقب نشاندن مدیریت شده و ساعات کار را یکساعت تقلیل میدهند. هرچند که هنوز بخواست اصلی خود نرسیده اند.

شرکت نوسازی هلیکوپتر

در این شرکت نیز که در جوار شرکت فوق قرار دارد کارکنان تحت فشار شدید برای اضافه کاری قرار گرفته اند. در این کارخانه ۱۱ ساعت بر ساعات هفتگی کار افزوده شده است بدون اینکه دستمزدی به آن تعلق گرفته باشد. این کارگران علاوه بر پنجشنبه‌ها روزهای تعطیل نیز باید کار کنند. کارگران به این وضع اعتراض کردند، شورای این کارخانه، با دیدن اعتراض کارگران، علیه این مصوبه اقدام کرد اما موفق به لغو آن نشد.

زمزمه‌های اعتراض کارکنان و کارگران این شرکت، همین روزهاست که تبدیل به فریادی سهمگین شود.

کارخانه جنرال موتورز

در این کارخانه ساعات کار را از ۶ ساعت به ۸ ساعت در روز افزایش داده‌اند. کارگران که از این مسأله ناراضی هستند اعتراض خود را به شکل زمزمه در گوش دیگر کارکنان کارخانه نشان میدهند اما بدلیل جو خاصی که در این کارخانه وجود دارد کارگران تاکنون نتوانسته‌اند در این رابطه حرکت متشکلی داشته باشند اما به یکدیگر میگویند:

"مدیرعامل دروغ میگوید، همه کارخانه‌ها با ندادن کارخانه ما کار نمیکنند، همه عمرمون که نباید توی کارخانه بگذرد. شورا هم بجای دفاع از ما یک مهر درست کرده است و هرچی مدیرعامل میگوید یک مهر پایش میزند."

این نمونه‌ها هر یک گوشه‌ای از جنبش طبقه کارگر و اعتراضات آنها در مورد اضافه تولید بنمایش میگذارد. و حال آروى سخن مان با پورتونویست‌هاست:

حال دیگر چه میگوئید؟! یا هنوز برایتان روشن نشده که "کاروتولید بیشتر" در این شرایط شعرا ربورژوازیست نه خواست پرولتاریای انقلابی؟! نکنند پرولتاریا با مقاومت خود در برابر کاروتولید بیشتر ضد انقلاب رده است؟! نه! خوشبختانه واقعیت سرسخت تراز آن است که تئوری‌های سازشکارانه شما تاب مقاومت در مقابل آنرا داشته باشد.

هفته آخر مهر ماه تولید محصولات شرکت بمیزانی رسیده که در شرایط معمولی باید با ۴ ساعت کار اضافی علاوه بر ساعات کار عادی بدان دست یافت. شدت کار بحدی است که تمام کارگران این کارخانه که دچار دست درد و کمردرد شده‌اند و بعضی از آنها بقدری ناراحتند که در سرویس از زور درد و خستگی بگریه میافتند. بله سرمایه‌داران باید هم در این شرایط سود بیشتر بطلبند. از این طریق نشد از راههای دیگر که میشود، به سرکارگر بیچاره هم هرچه میخواهد بیاورد، مهم نیست. در قمار موس بورژوازی سود مطرح است و استثمار بیشتر و حاکمیت حاکمی آنها چه خوب با کمک تبلیغات، قوانین و نیروهای مسلح خود شرایط این کار را فراهم میکند. در کارخانه "شوگومارس" فشار کار زیاد، شرایط طاقت فرسائی را برای کارگران ایجاد نموده است. کارگرزنی در جواب کارگر دیگری که با او گفته بود خسته نباشی جواب داد: "اینکه دروغ است، چون از خستگی داریم میمیریم، تازه امروزه ۵۰ جعبه هم بیشتر از دیروز کار کردیم."

این خبر گوش مهندس قسمت رسیده و او با احضار آن زن کارگر با تهدید میگوید: "اگر از تولید اضافی خرفی بزنی بلافاصله اخراج خواهی شد. تازه اگر فکر میکنی خیلی خسته میشوی استعفا بده و برو" در یکی از قسمت‌های دیگر کارخانه کارگری روز پنجشنبه حاضر کار کردن نمیشود. او میگفت "پنجشنبه‌ها وقت خودم است اگر دلم خواست اضافه کار سیانم". او را به اتاق مهندس احضار کرده و قصداً خراش را دارند که بعلمتند داشتن دلیل کافی قادر به اینکار نمیشوند اما با او میگویند "تو اخلاک‌پرستی و میخواهی کارگران دیگر را از کار کردن پنجشنبه‌ها باز داری!"

شرکت صنایع هواپیمائی

در این شرکت که حدود ۳۰۰ نفر مشغول کار میباشند پس از بمباران هواپیماهای رژیم ضد خلقی عراق کشته شدن چند نفر، ناچار به تغییر ساعت کار میشوند. پس از کلی اینطرف و آنطرف کردن بالاخره تصمیم میگیرند کارکنان رانصف کرده و یکروز در میان کار کنند مدیریت شرکت که در تمام این مدت به فکری این نیامدن بازده تولیدی شرکت

بقیه از صفحه ۵
حاضر نیست پول تمام ساعاتی را که آنها بیشتر از بقیه کارگران کار میکنند پرداخت نماید. کارفرما میگوید: "طبق قانون وزارت کار به ساعات کار بیش از ۴۴ ساعت شما حق اضافه کاری تعلق میگیرد" اما کارگران بد رستی میگویند: "به تمام ساعاتی که ما اضافه بر ساعت کار رسمی هفتگی در کارخانه انجام میدهم باید حق اضافه کاری تعلق گیرد."

تفاوت این دو مسأله چیزی حدود ۱۱ ساعت در هفته میباشد که کارفرما از حق کارگران بچیپ میزند. بدنیا ل این درگیری در تاریخ ۲۶ مهر کارگران انبار دست از کار کشیدند. آنها با تاقی مدیر عامل ریخته و او را مورد بازخواست قرار دادند. مدیرعامل گفت: "تقصیر من نیست، وزیر کار دستور داده است." اعتراض کارگران انبار در این زمینه ادامه داشته و مورد حمایت کلیه کارگران کارخانه میباشد. ضمناً در این رابطه انجمن اسلامی کارخانه هم جانب مدیریت را گرفته است.

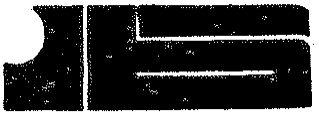
کارخانه مهمات سازی

در قسمت افزار سازی این کارخانه کارگران که حاضر به تحمل فشار کار نبودند با استادکاران خود درگیر شدند و وقتی با زور گوئی آنها رو برو شدند متحدان کار را به شورای کارخانه کشیدند اما بعلمت نفوذ استادکاران در این شورا، شورا هیچ اقدامی بنفع کارگران انجام نداد. کارگران که خواهان اخراج استادکاران بودند به شورای داورى کارخانه مراجعه کردند. در مقابل طرح این شورا برای بازگرداندن استادکار قبلی که فردی تفرقه انداز بود کارگران گفتند "قسمت را با یاد شوراى اداره کرده و در حد توانمان کار کنیم."

کارخانه شوگومارس

مدیریت این کارخانه نیز چندین پیش سعی کرد با استفاده از شرایط جنگی ۱/۵ ساعت بکار روزانه اضافه نماید اما ایستادگی کارگران در مقابل مدیریت اجازه اینکار را نداد. مالکان کارخانه که حاضر نبودند به هیچوجه این شرایط مناسب برای استثمار بیشتر را از دست بدهند به حيله دیگری متوسل شدند. آنها شدت کار را افزایش دادند بطوریکه در

۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است



همه موبده واداران

افشاگریهای سیاسی در خدمت مبارزه پرولتاریا

رفقای عوادار!

افشاگری های همه جانبه سیاسی در جریان مبارزه زحمتکشان، بویژه کارگران دارای اهمیتی ویژه است. هرچند از ستمگری بورژوازی نشانی هست همانجا می توان دیدپایگاهی برای پیشبرد مبارزه طبقاتی باشد، خواه این پایگاه در مدرسه باشد، خواه در مزرعه، خواه در خانه باشد و خواه در کارخانه، از این دیدگاه همه جا عرصه مبارزه طبقاتی است. مبارزه طبقاتی اگرچه محور پیشبرد منافع پرولتاریا و امر همزونی این طبقه تا به آخر انقلابی است اما این امرنافی مبارزه در میان دیگر اقشار و طبقات جامعه با تکیه بر خواست های مبارزاتی آنها نیست. بدون شرکت فعال در تمام عرصه های مبارزه اجتماعی و کوشش برای پیشبرد آن در جهت منافع تاریخی پرولتاریا، مبارزه طبقاتی بخشی از پشتوانه های اجتماعی خود را از دست می دهد، با منافع جدی روبرو می شود و چه بسا که از دستبرد انقلابی خود مدتی برکنار افتد. کسی که در عمل فراموش کند که وظیفه اش این است که در طرح و تشدید و حل هرگونه مسائل عمومی دمکراتیک در پیشانی همه باشد، آنکس سوسیال-دموکرات نیست.

لنین - چه باید کرد.

غافل ماندن از مبارزات تمام اقشار و طبقات جامعه که بر بستر هزاران رویداد روزانه پیش می رود و انعکاس آن به هزار سخن از زبان مردم شنیده می شود، نادیده گرفتن منافع عظیم افشاگری توده ای و کوردلنی سیاسی است. تنها سخن گفتن از کارگران و منافع آنی و آتی آنها، تکیه صرف بر مبارزات اقتصادی کارگران جهت تبدیل آن به مبارزه سیاسی و در مجموع معیوس کردن مبارزه پرولتاریا در تنگنای کارخانه، سیاستی انقلابی و شایسته ظرفیت تاریخی - انقلابی کارگران نیست. مبارزه با خفقان و سانسور، مبارزه با احتکار و گرانسی، مبارزه با احتکار و گرانسی، مبارزه با ارتش و بوروکراسی، مبارزه با اطاعت کورکورانه در ارتش و دیگر نهادهای دولتی، مبارزه با فساد و اعتیاد، مبارزه با خانه بدوشی و آوارگی، مبارزه با بیکاری، مبارزه با زانگی، مبارزه با کمبودهای عظیم درمانی و بهداشتی، مبارزه با پارتی بازی و تبعیض، مبارزه با رشوه خواری و اخاذی های مالیاتی، مبارزه با احکام ضد انقلابی دگانه ها و کمیته ها و مبارزه با تعقیب و تفتیش، مبارزه با پاندهای

رسمی و غیررسمی ایداء و کتک و ترور و کشتار، مبارزه با اعدای مهای ضد انقلابی و شکنجه، مبارزه با دروغ و فریب و خرافه با فی رسانه های گروهی و روی هم رفته شرکت در مجموعه مبارزاتی که پیوندی بلاواسطه با مبارزه اقتصادی کارگران ندارد، مبارزاتی که بی وقفه در تمام حرکات، حالات و گفتار مردم در جریان هزاران رویداد انعکاس می یابد و یاد رکانون های مبارزات دمکراتیک و درشوراها و سندیکا های مردمی متبلور می شود، همه زمینه های برای پیشبرد مبارزه طبقاتی و در جهت منافع تاریخی پرولتاریا است اگرچه مستقیم و مشخص منافع پرولتاریا را در بر نداشته باشد "اگر کارگران طوری تربیت نشده باشند که به همه و هرگونه موارد خودسری و ظلم، اعمال زور و سوء استفاده اعم از اینکه این موارد مربوط به طبقه ای باشد جواب بدهند - و آنهم جوابی فقط از نظرگاه سوسیال-دموکراسی نه غیر آن - در این صورت معرفت طبقه کارگر نمیتواند معرفت حقیقتا سیاسی باشد"

لنین - چه باید کرد؟

آیا می توانیم بدون شرکت همه جانبه در مبارزات اجتماعی و هدایت آن در جهت اهداف پرولتاریا محری چنین رهنمود درخشانی باشیم؟ بدون شرکت فعال حتی در کوچکترین اشکال مبارزه علیه هرگونه ستمگری اجتماعی، بدون ارتباط پیگیری توده ها، بدون دقت در رویدادها و گفتار مردم - حتی آنجا که رویدادها عادی و گفتارها معمولی به نظر می آیند - نمی توان وظیفه مبرم افشاگری های بی باکان سیاسی را پیش برد. این وظیفه که شاید در نظر بعضی رفقا ساده و آسان جلوه کند، در عمل مدام محک خواهد خورد و مرز میان پیگیری انقلابی پرولتاریائی و تمایلات پراکنده مبارزاتی خرده بورژوازی را مشخص خواهد کرد. این وظیفه، وظیفه ای بس خطیر است چرا که نیروی انقلابی را در کوره عمل آبدیده می کند تا از مردم به درست ترین شیوه با موزد و بسنده انقلابی ترین شیوه به مردم بیاموزاند تا سرانجام در جریان واقعی عمل انقلابی، شایسته پیشاهنگی قوای انقلابی جامعه گردد، "ما گفتیم که سوسیال دموکرات، فقط در گفتار طرفدار طرفدار رژیم بسط همه جانبه، آگاهی سیاسی پرولتاریا نباشد، باید بیان تمام

طبقات اهالی برود".
(لنین - چه باید کرد.)

بهمان اندازه که شرکت ما در مبارزه توده ها دامنه گیرد، بهمان اندازه که افشاگری سیاسی در تمام زمینه های حیات اجتماعی گسترش یابد، مبارزه پرولتاریا از طریق این پیوند خلاق از آگاهی انقلابی بیشتری برخوردار می گردد

"طبقه کارگر برای اینکه خود را بشناسد، باید در مناسبات متقابل کلیه طبقات جامعه معاصر وقوف کامل و از آن تصویر روشن داشته باشد، وقوف و تصویری که تنها دارای جنبه تئوریک نباشد یا عبارت صحیح ترین آن بیشتر بر تجربیات حیات سیاسی باشد تا بر تئوری"

لنین - چه باید کرد.

اگر در شرایط نسبی وجود آزادی های دمکراتیک که بزرگترین دستاورد قیام خونین بهمن ماه بود نمی توانست سرعت بوسیله بورژوازی مهاجر گردد، نیروهای انقلابی جامعه با شرکت وسیع علنی در مبارزات زحمتکشان و با برگزاری میتینگ ها و راهپیمایی ها توانستند با سخنرانی های بیدارکننده و شعارهای انقلابی گام هایی موثر در راه آگاهی و تشکل زحمتکشان بویژه کارگران بردارند، اگر توانستند ده ها و صدها هزار روزنامه و مجله و کتاب و بوسترو و توار در محله های زحمتکشان، کارخانه ها، روستاها، خیابان ها، کوجه ها و هر کجا که کوچکترین نشانی از مبارزه بودند حرکت درآیند و بر سر و خستگی ناپذیر در جهت ارتقاء سطح آگاهی سیاسی زحمتکشان بویژه کارگران بکوشند، اکنون که آزادی های دمکراتیک با سیاست های ضد انقلابی حاکمیت به تنگنای خفقان و سانسور گرفتار آمده است و هرگونه فعالیت مشخص انقلابی با لگد و حمان و دستبند کتک و حبس و اعدام یا سزا داده می شود نباید عرصه های حرکت انقلابی را محدود و تنگ انگاشت. اگر دیروز دست هدیه ها هزار نیروی انقلابی با صدها هزار روزنامه و شعار و اعلامیه و کتاب در تمام عرصه های مبارزه سیاسی برافراشته بود، امروز تمام دیوارها، تمام پیل ها و میدان ها و خانه ها، تمام انبوس ها و کامیون ها و نظارها، تمام مدرسه ها و کارخانه ها و مزرعه ها، تمام چاه ها و کوهستان ها و روستاها،

نصفه در صفحه ۸

استقلال - کار - مسکن - آزادی

افشاگری های سیاسی ...

تمام ایستگاه های اتوبوسرگا رازها و ترمینال ها و ایستگاه های راه آهن و تمام دوایر دولتی و خصوصی، می توانند روزنامه ها، شعرا، اعلامیه ها و پوستر های مبارزاتی ما را به میان زحمتکشان ببرند و متینگ عظیم مبارزاتی ما را هر چند بظواهرها موش اما با طینتی تاریخی برپای دارند.

رفقا، یک نیروی انقلابی، یک کمونیست حتی لحظه ای از پشیمانی نمی نشیند، در هر کجا و با هر کس و با هر کس آنی که هستید یک مسئله بظاهر کوچک می باشد که می تواند مبنای یک گفت و گوی افشاگرانه قرار گیرد، در هر کجا که هستید که دیواری هست و یا تکیه آهنی که می تواند شعاری برسینه بگیرد و آنرا با مردم در میان نهد (مواضع انقلابی سازمان) را بزبان ساده و با زبان ویژه خلقهای های ستمدیده ایران و بزبان های محلی بی زحمتکشان در میان بگذارد و شعارهای مبارزاتی سازمان را بر در و دیوار شهرها و روستاها بنویسید.

رفقا! کلمه ها، عبارت ها، جمله ها شعرا، پوسترها و نوارها، روزنامه ها کتابهای ما اگر چه امروز اصوات و تصاویری است که جزء جزء آن عملکرد های عینی خود را سرعت نشان نمی دهند اما همین صداها و تصویرهای انقلابی، فردا در مبارزات متشکل تر زحمتکشان بویژه کارگران نقش اساسی خود را بازی می نمایند، افشاگری های بی امان و هوشیارانه ما که خفایای ترین شرایط نیز قادر به کنترل مستمر و همه جانبه آن نیست در شکل گیری حرکت های مبارزاتی زحمتکشان جای ویژه خود را می یابد و تنها با چنین ایمانی است که میتوان سنجشی درست و تاریخی از هر حرکت افشاگرانه داشت، در هر کجا هستید به این حقیقت پر شکوه بیا نندیشید که ده ها هزار تن مبارزان انقلابی در ده ها هزار مکان، چون شما در حرکتند، به این حرکت عظیم بیا نندیشید و در میان تمام طبقات و اقشار زحمتکش، اندیشه ها و شعراهای خود را نقش بندید، سازمان ما سازمانی که پرچم مبارزه پرولتاریا را برافراشته است با کام های مبارزاتی و صدا های افشاگرانه شماست که به میان زحمتکشان می رود، اگر سازمان در شرایط موجود نمی تواند انداز هر نظر، با تمام هواداران، پیوندی مشخص تر از آنچه هسته داشته باشد نباید در برابر سیل خروشان انرژی مبارزاتی شما گردد، با تمام قوا و اخلاقیات خود را در زمینه حرکت های افشاگرانه به کار بندید و با بحث روشن گرانه برسوسره رهنمودهای سازمان درک خود را از شیوه های گوناگون مبارزه و کار بر آوردن ارتقاء بخشید و خود آفرینشگر هزاران حرکت افشاگرانه ای باشید که زندگی

روزانه توده های زحمتکش سرچشمه پایان ناپذیر آن است، رهنمودهای ماعده ترین خطوط چگونگی حرکت های افشاگرانه را با شما در میان می نهد تا خود از این رهگذر به شیوه های گوناگون و زنده افشاگری دست یابید و چگونگی و نتایج تجربه های خود را با ما در میان نهید.

رفقا بیا دداشته باشیم که تنها شور مبارزاتی کافی نیست، شور مبارزاتی باید با هتباری انقلابی همراه باشد توده ها در زمینه فعالیت و تلاش و چگونگی آن ضرب المثل های زیادی دارند، وقت در این ضرب المثل ها که اولی سب تجربه ها و رنج های مردم زحمتکش بر خاسته می تواند برای ما بسیار آموزنده باشد، مردم می گویند: فلانی بی گدار به آب زد، چاه نکند من گدار دزدید، از هول حلیم دردیگ افتاد، آمد زیر برویش را بردارد زرد چشمش را کور کرد.

اگر از دیدگاهی انقلابی - و نه آن چنان که رایج است: مصلحت گرایی نه - در این ضرب المثل ها و امثال آن دقیق شویم درمی یابیم که برای دست زدن به هر کاری باید تمام جوانب آنرا سنجید، تمام مصالح آن کار را فراهم آورد و با نوعی سازماندهی ویژه به آن کار پرداخت، در هر کاری بویژه در کار مبارزه سیاسی که هر نیرو در صف مبارزه پرولتاریا دیگر نه متعلق به خود بلکه متعلق به یک مبارزه است هر گونه بی دقتی که به کاهش انرژی - اگر چه اندک - بیانجامد و یا بخشی از انرژی مبارزه را در رفع ضایعات به کار گیرد در واقع بدون توجه به تجربیات خویش و رهنمود های سازمان و علیرغم صداقت مبارزاتی و شور انقلابی، ضربه ای بر یک مبارزات فرود آورده است، صداقت پرولتاریائی از یک دیدگاه، حفظ همه جانبه خود برای صرف تمام انرژی انقلابی خویش در جریان مبارزه طبقاتی است و این امری است که بدون سازماندهی مشخص ممکن نیست.

با توجه به آنچه گفته شد در فضای هوادار و وظیفه دار ندانم سازماندهی افشاگری در میان توده ها را با تمام قوا پیش ببرند و لحظه ای از این امر غافل ننمایند که مواضع سازمان با حرکت آنهاست که به میان مردم برده می شود و قوا و تحکیم می یابد.

رفقا بیا بدر نظر داشته باشید که سرکوب نانونی و قهری و ایدئولوژیکی خود را یکجا به کار گرفته است نتوانسته است جلوسیل خروشان مبارزات توده ها و نیروی انقلابی روشن گرش را همه جانبه سد کند.

رفقا! هر چند کار در وقته دسته های او باش و باندهای فالانژ و گلوله های خمپاره های سرمایه داری در قلب و مغز مبارزه طبقاتی، کار گزینیست و نمیتوان شور و اندیشه گسترده انقلابی را با دستبند و دنگاه و زندان مهار کرد با اینهمه بیکر مبارزه طبقاتی

آسیت پذیر نیز هست، بی توجهی به شکردها و دام های دشمن، سهل انگاری در کاربرد معیارها و ضابطه های کار مخفی و چگونگی پیوند آن با کار علنی برانگیختن شور مبارزاتی و از دست نهادن هوشیاری انقلابی مناسب ترین زمینه برای دشمن و کار آرائی اوست، تنها با رعایت کامل معیارها و ضابطه های امنیتی است که دامنه فعالیت های افشاگرانه ما چه در گرفت و گویا توده های زحمتکش و چه در امر پیش و توزیع روزنامه و اعلامیه و تراکت و چه در امر خطیر شعار نویسی همواره گسترش می یابد و دشمن بی آنکه ردیابی از ما سراغ داشته باشد زبان ما را بر در و دیوار شهر می بیند و حرف ما را از زبان زحمتکشان می شنود بی آنکه دیگر از او کاری ساخته باشد.

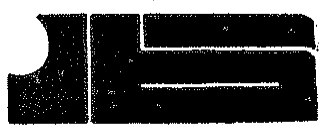
رفقا! دشمن می تواند ما را در افراد که ما هیتا موجود خطا و ندانم کاری است، زیر ضربه های کار دو مشت و لگد بگیرد و به زندان افکند و حتی به قتل رساند اما اگر هوشیارانه عمل کنیم و برای هر کار حتی کوچک با سازماندهی ویژه به حرکت در آئیم دشمن را با طبقه دارای آگاهی طبقاتی مواجه خواهیم کرد و عمل هر گونه سلاحی را در دست او از کار خواهیم انداخت.

رفقا! در نظر داشته باشیم که هزاران نیروی انقلابی در مقاطعی از جریان مبارزه طبقاتی حتی در درون جبهه های دشمن تراکت ها و اعلامیه ها را با شیوه ای شگفتی انگیز پخش کرده اند و دشمن را حیرت زده و گول بزجای نهاده اند، هوشیاری انقلابی حکم می کند برای هر حرکت افشاگرانه محیط را از هر نظر بررسی کنیم، ما موران مخفی و اعلامیه کن های صبحگاهی را از نظر دور نداریم، مراقب ماشین ها و موتور های گشتی باشیم، کانون های رسمی و غیر رسمی را در هر محیط بشناسیم، کوچه پس کوچه ها، بن بست ها، خرابه ها و مخفیگاه های طبیعی را در هر مکان نشان کنیم، از حمل ساک ها و بسته های مشخص اجتناب ورزیم و در این زمینه حمل های توده ای جستجو کنیم، کار پخش و توزیع روزنامه و اعلامیه و تراکت را گروهی انجام دهیم و در حلقه محافظت و مراقبت رفقای هم گروه با قرار اعلام خطر، فعالیت های افشاگرانه را پیش ببریم و برای وقوع هر خطر طرح توجیه و یا گریزی مناسب بیا نندیشیم و آن را دقیقاً بیا د بسیاریم.

جزوه، نت های قرار و شماره تلفن همواره، نداشته باشیم و برای مبتدیان توجیهات قرار دادی را جدیاً برای هم دیگر بازگوئیم.

با سنجش روحیه مردم هر محل و مکانی طرح افشاگرانه خود را پیاده کنیم، بیشتر مسائل ویژه محلی را مورد بحث قرار دهیم، منتظر تراکت ها و شعارهای سازمان ننماییم و با دقت در نوشته های "کار" و رهنمودهای سازمان، در دیوار شهرها و روستاها را به نابود اعلانات مبارزاتی بدل سازیم.

سرکوبگران خلق کردند دشمن همه خلقهای ایران هستند



بهانه تعطیل کارخانه‌ها را با تشکیل "هیئت تحقیق" از سرمایه‌داران بگیریم

دوباره بکارگماشته شوند...
(اتحادیه‌های کارگری لندن)
با تجربه ایتالیا مشاهده می‌کنیم
که کارگران در گامش تولید و
تعطیل موسسات دست بعمل مستقیم
می‌زنند و با انتخاب کمیسیون‌های
ویژه‌ای برای تحقیق درباره علل
واقعی تعطیل "به بررسی بهانه‌های
کارفرمایان و سرمایه‌داران برای
تعطیل کارخانه می‌پردازند و آنوقت با
انتخاب کمیسیونهای نظارت، کنترل
کارخانه را بدست می‌گیرند.

آنچه مسلم است اینست که سرمایه‌داران
کارفرمایان یا مدیران کارخانجات
کشور ما نیز در شرایط کنونی
(بحران روبه‌تزیاید) بهمین
شیوه‌ها متوسل شده‌اند و میکوشند با
تهدید به تعطیل و در شرایطی نیز با
تعطیل کارخانه‌ها کارگران را وادار
به پذیرش و تحمل فشارها و تحمیلات خود
کنند.

بر کارگران مبارز و پیشرو است که
بمقابله با سرمایه‌داران برخیزند و
ضمن بلند کردن فریاد اعتراض نسبت
باین اقدام آنها به تبلیغ شرایط و
اوضاع واحوال خودشان که نتیجه
تعطیل کارخانه‌هاست (گرسنگی و
محرومیت‌های دیگر) بپردازند و با
ایجاد "صندوق بیکاری" قدرت مقابله
خود را در مقابل سرمایه‌داران افزایش
دهند. بعلاوه بمحض آگاهی از قصد
سرمایه‌داران در تعطیل کارخانه،

کارگران را بیک جلسه عمومی دعوت
کنند و هیئتی از کارگران آگاه و مبارز
را انتخاب کنند تا بلافاصله به بررسی
بهانه‌های کارفرمایان یا سرمایه‌دار در
مورد علل تعطیل کارخانه بپردازند،
کنترل خرید و تامین مواد اولیه و
فروش محصولات کارخانه را در دست
بگیرند، بر امور مالی کارخانه نظارت
داشته باشند، قراردادها را روکنند و
... تا کارشکنی‌ها و بهانه‌های سرمایه
داران روشن شود.

بعلاوه کارگران پیشرو باید محیط
کارخانه را با کانون تبلیغ این ایده
تبدیل کنند که اگر سرمایه‌داران در
شرایط کنونی "ضرر" می‌کنند، کارگران
حاضرند این "ضرر" را قبول
کنند و با این ظلم و فشار را برای
همیشه از دوش سرمایه‌داران بردارند
و خود کنترل کارخانه را در دست بگیرند

از جمله روشهایی که سرمایه‌داران
برای سرکوب مبارزات کارگران بکار
می‌برند، تعطیل کارخانه است سرمایه
داران با اینکار، چندهدف را دنبال
می‌کنند، یکی اینکه قدرت خود را به
کارگران نشان بدهند و با آنها بقبولاتند
که اولاً اگر آنها سرمایه‌شان را بخطر
نماندازند (۱) بیکاری و گرسنگی
زندگی کارگران را تهدید می‌کنند و
ثانیاً: اگر سرمایه‌داران "نخواهند"
هیچ کارخانه‌ای کار نمی‌کنند، کارگران
امنیت شغلی نخواهند داشت و سرمایه
داران هر وقت بخواهند می‌توانند آنها
را اخراج کنند. این کار که در واقع
نمایش حکومت سرمایه‌برکار است -
حکومتی که همیشه در جامعه سرمایه‌داری
حاکم است در این لحظات به بهترین
وجهی خود را نشان میدهد. تجربیات
تاریخی نشان میدهد که توسل باین
روش غالباً در دوره‌هایی که تولید دچار
اختلال و جامعه در حال بحران است
اتفاق می‌افتد.

بعنوان مثال در سال ۱۹۰۵ در شهر
پترزبورگ روسیه سرمایه‌داران با
تعطیل کارخانه‌ها بیش از صد هزار کارگر
را از کار بیکار کردند. آنها قصد داشتند
که "با گرسنگی دادن کارگران را مجبور
به تسلیم و متوقف کردن مبارزه برای
آزادی کنند." یاد آخرین ماههای
سال ۱۹۲۰ که کارگران ایتالیا با
تعطیل کارخانه‌ها توسط سرمایه‌داران
روبرو شدند.

این شیوه و روش سرمایه‌داران است
که برای سود بیشتر با هستی کارگران
بازی می‌کنند و زندگی کارگران و خانواده
شان را به هیچ می‌گیرند.

اما آیا توسل به این شیوه‌ها از
جانب سرمایه‌داران، بمعنای توقف
و پایان یافتن مبارزات کارگران
بوده است و کارگران در مقابل فشارها
و سرکوبیهای سرمایه‌داران تن به
استیما روفرو نکبت داده‌اند؟ تاریخ
بدفعات نشان داده است که هرگز
اینطور نبوده و نیست. مثلاً در همان
تجربه کارگران شهر پترزبورگ در سال
۱۹۰۵ "هیئت اجرایی شورای نمایندگان
کارگران" طی قطعنامه‌ای مقرر داشت
که: "تمام کارخانه‌هایی که بسته
شده‌اند فوراً دوباره باز شوند و تمام
رفقائی که از کار برکنار شده‌اند

چشم اندازیک بحران... صفحه ۲
سران بلوچ، فتودالهای کردستان و
مناطق دیگر هر یک با سرعت دار و دسته -
های مسلح خود را تشکیل میدهند،
بنی صدر بیش از پیش بسوی ارتش پناه
برده است و حزب جمهوری اسلامی نیز
کمیته‌ها و سپاه پاسداران را در اختیار
خود گرفته و در حال سازماندهی دسته‌های
تروریستی از او باش و اراذل معروف به
فالانژهای حزب الهی است.
آیا باینک چنین تصویری از وضعیت
اقتصادی و سیاسی جامعه و در شرایطی
که جنگ همچنان ادامه دارد میتوان
انتظار داشت که حاکمیت موجود بر بحران
موجود فائق آید یا یکی از فراقسوتنهای
آن بتواند بر جناحهای دیگر قطعاً
سلط شود و توده‌ها را آرام کند، پاسخ
منفی است.

اکنون ناراضی توده‌ها در حال
گسترش است و اعتراض آنها دیگر محدود
به توده‌های یک منطقه، یک شهر و یا
یک قشر محدود نیست، بلکه عمومیت
و کلیت دارد. موج ضدآخوندی که اکنون
توده‌ها را فرا گرفته است، بیان
چیزی جز بی‌اعتمادی توده‌ها به حاکمیت نیست
حال بگذریم از اینکه لیرال‌ها و
جناحهای وابسته به بورژوازی بزرگ
می‌کوشند، این بی‌اعتمادی توده‌ها
را نسبت به حاکمیت به کانهایی
انحرافی بکشانند و آنرا به مبارزه علیه
روحانیت و آخوندها بکشانند.

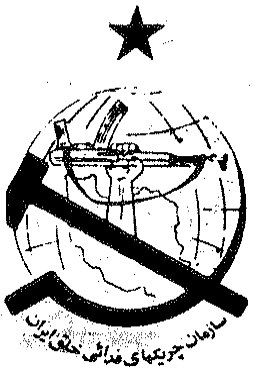
اکنون که سرعت توهمات توده‌ها
نسبت به حاکمیت درهم شکسته می‌شود،
باید در آینده نزدیک شاهد رشد و گسترش
امواج اعتراضی توده‌ها باشیم. تاکنون
وضعیت سیاسی حاکم بر جامعه چنین
بود:

گرچه حاکمیت مدام با تضادهای
و کشمکشهای درونی روبرو بود و بحران
قدرت حاکم بود، اما باعتبار اعتماد توده‌ها
و "خواستن" آنها هیئت حاکمه
توانست به حکومت خود ادامه دهد، اما
اینک با درهم شکسته شدن توهمات
توده‌ها نسبت به حاکمیت، و سلب
اعتماد و رشد ناراضی آنها شرایطی
پدید می‌آید که جامعه را بسوی یک بحران
زرف، پیش می‌برد. اگر بپذیریم که
بحران پیش از قیام معلول علت‌هایی
بود که آن علتها بهیچوجه از میان نرفته
است، و تنها اعتماد توده‌ها به حاکمیت
آنرا بر سرپا نگاه داشته بود، اگر
بپذیریم که حاکمیت کنونی قادر به
حل بحران اقتصادی و سیاسی موجود که
با ادامه جنگ ابعاد گسترده‌تری پیدا
می‌کند، نخواهد بود، و مدام بسوی
ناراضی توده‌ها خواهد افزود، آنگاه
چشم اندازیک بحران زرف را برابر
خود می‌بینیم.

مجموعه شرایط اقتصادی و سیاسی
جامعه اکنون به مرحله‌ای نزدیک
می‌شود که دیگر ادامه اوضاع به‌روال
گذشته میسر نیست، شق ثالثی وجود
ندارد، با پیروزی نیروهای انقلابی
یا دیکتاتوری نظامی و شبه نظامی.

کنترل کارگری تنها راه مقابله با کمبود و گرانی

اسناد



حملات محمولات نظامی از آمریکا به سلطنت آباد

از طریق (بنده امام خمینی) و تقاضای تامین مستشار

نظامی

هم میهنان آگاه و مبارزان!

متن اسناد
در صفحه مقابل

بخوبی می بینید که جمهوری اسلامی علی رغم همه خیمه شب بازیها و عوامفریبی هایش، هیچگاه روابط نظامی خود را با آمریکا و سایر امپریالیست ها قطع نکرده است.

آزادی گروگانهای جاسوس نیزیکبار دیگر و بخوبی ماهیت سازشکار و ضد انقلابی سران جمهوری اسلامی را به هم میهنانمان نشان داد.

با افشاء وسیع این حقایق و توضیح مواضع نیروهای انقلابی، سازشکاران و خائنین به خلق را طرد و صف انقلاب را تقویت کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

ت- الف ۲۶

بعد از گروگانگیری جاسوسان آمریکایی دولت مردان گفتند:

- ۱- آمریکا باید شاه را به ایران تحویل دهد.
- ۲- آمریکا باید اموال شاه را به ایران بازگرداند.
- ۳- آمریکا نباید در امور داخلی ایران دخالت کند.

و آمریکا:

- ۱- آقادر شاه را نگه داشت تا مرد
- ۲- آقادر اموال شاه را نداد تا همه را از آمریکا خارج کردند.
- ۳- "تعهد و تضمین...!!! نمود مثل گذشته در امور داخلی ایران دخالت نکنند. مثلی است معروف که میگویند: "حرف مالیات ندارد"

نتیجه: مردم ایران به هیچکدام از خواستههای خود نرسیدند؛ و گروگانها محاکمه نمی شوند.

بعد از گروگانگیری جاسوسان آمریکایی آمریکا گفت:

- ۱- ایران را محاصره اقتصادی!! می کنیم تا گروگانها را پس بدهند
- ۲- تجهیزات جنگی را تحویل نمی دهیم تا گروگانها را پس بدهند
- ۳- سرمایه های ایران را در بانکهای امریکا توقیف می کنیم تا گروگانها را پس بدهند... و چنین کرد.

دولت مردان ایران آقادر جنجال به راه انداختند و حرف عوض بردند و با زور تبلیغ به خورد مردم دادند تا خواسته های اولیه فراموش شد! حالا با بوق و گیم می گویند گروگانها را آزاد می کنیم به شرطی که:

- ۱- محاصره اقتصادی!! خاتمه یابد.
- ۲- تجهیزات جنگی تحویل داده شود.
- ۳- از سرمایه های ایران در بانکهای امریکا رفع توقیف گردد.

نتیجه: آمریکا به تمام خواسته های خود رسیده است؛ و گروگانها آزاد می شوند.

و حالا مردم می گویند: همه دعواها سر لحاف ملانصرالدین بوده است!!!

زحمتگشان با آزادی گروگانها بیشتری می برند این حاکمیت خلقی و ضد امپریالیست نیست.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

ت- الف ۲۵

یروز باد مبارزات ضد امپریالیستی- دمکراتیک خلقهای ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



سبب - تعالی

از مرکز پشتیبانی لوج تهران (تراپوی حمل محمولات)
به: ف. تراپوی، ف. لوج نزاچا (حرکات)

دریاره: د. سوله کشتی (ایران هزان) (آریا سروش) - ۱۰۴ بارنامه ۱

بازگشت بشماره ۵۹/۲/۱۱۷-۰۷/۱۲۰۳/۰۹/۷/۹/۲۰

پیرو شماره ۵۹/۲/۲-۱۶/۰۳/۱۰/۳۲۲/۳

۱- محموله فوق بتعداد ۴۶ تکه از کشور آمریکا بقصد بندر امام خمین بنام

لطیف آگار عمل گرفته شده است.

۲- لطیف صورتجلسه موجود از ۶۶ تکه تعداد ۳۶ تکه دریافت و بقیه کسر

میباشد.

۳- با توجه به پیروی خواهشمند است دستور فرمائید در مورد کسورات -

اقدام بایستة بجز آرزند ضمناً در پیروی فوق در یافتن لغزشها ۴۰ تکه و -

کسوری ۶ تکه فید گرفته شده است که بایستی قدهیح گردد. لازم به توضیح است که

توزیر کالا منوط به ارسال صورتجلسه تحویلی میباشد.

فرمانده مرکز پشتیبانی لوج تهران - سرهنگ ۲

بستان نیروی فدائی جمهوری اسلامی (رکن ۱ - غیر نظامیان)
ریاست رکن ۴ نیروی فدائی (مدیریت مانتریل - طرح ورزشگاه)

دریاره - استند ام پرسنل خارجی

بازگشت بشماره ۵۹/۳/۲۴-۰۰/۱۶۰-۰۰/۱/۳-۲۸-۱۳۰۴-۱۰/۷-۲۶

۱- فرماندهی لجنه فنی فدائی نظامی تامین پرسنل مشروح زیراندره خواهشمند است دستور

فرمائید یا توجه به وجود پرسنل ذیل علاج فنی در آن بگن در این زمینه بررسی و با توجه با اینکه تامین بعضی از این

تخصصها قبلاً توسط سایرینگها تأمین گردیده است کاریاست معمول و نظریه اعلام دارند تا پس از رفع محدودیت

استند ام اقدام گردد.

۲- تامین یک نفر تخصص موتور جت از کارخانه سازنده (توضیح اینکه کارخانه سازنده آمریکائی میباشد -

با توجه به سیاست فعلی منافع تأمین تخصص از آن طریق غیر ممکن به نظر می رسد) لذا پیشنهاد میگردد در یکی از پیگر

زمانی مری که قادر به تامین این تخصص میباشد اقدام نمایند.

۳- تامین سه نفر تخصص رده سه بالا از کمانی زاپهر در تخصصهای مشروح (با توجه با اینکه کمپلست

وجود امکانات فراوان در بخش قرارگاه های نیروی سه از طرف کمانی با وجود تشکیل کمیته و روشهای مکرر در آن رگ

بازرسی و چونگونه تصمیم قطعی صحت بر او ام بکار گرفتن سیستمهای مربوطه اخذ نگردیده است لذا تا روشن شدن

وضع نگهداری سیستمها تا حد این قبیل پرسنل از کشور انگلستان مقدور نخواهد بود لذا اجتنابیه منعی وجود ندارد

که بتوان پرسنل مورد نیاز از آن تامین نمود معرفی نمایند.

الف - تخصص A.T.E یک نفر برای مدت یکسال

ب - تخصص MANUEL یک نفر برای مدت یکسال

۴ - تخصص RADAR Wave Guider یک نفر برای مدت یکسال

۵- تامین تخصص O.T.E دستگاههای هاگ در رده در پیروی برای مدت ۶ ماه جهت بگن C.M.F

(توضیح اینکه بگن فوق الذکر تاکنون فاقد این نوع تخصص بوده است)

۶- تامین یک نفر تخصص I.M در تخصص ۳۲۸ x ۴ در رده الکترونیک جهت تکمیل سرویس و سنجشها پس

احیث خدمت پیروی دستگاه EMATS (بگن پیشین ادر نموده است آقای حنا با توجه به سرویس

استند ام گردد.)

فرمانده مرکز پشتیبانی لوج تهران - سرهنگ ۲

مبارزه پیروزماندانه "شورای دهقانی" روستای یوسف آباد املش

روستای یوسف آباد از توابع بخش "املش" شهرستان رودسر در دامنه کوههای سرسبز پوشیده از جای ترا گرفته است. در این روستا بیست خانوار (۲۰) سکونت دارند که زندگی شان از راه تولید محصولات چای، برنج و مرکبات (پرتقال) می گذرد.

این روستا از حداقل امکانات بی بهره بود اما اهالی آن با اتحاد و همبستگی توانستند برق منطقه ای به روستا بیاورند. زحمتکشان این روستا همچنین با ایجاد شورای انقلابی ده توانستند اولین حرکت انقلابی خود را شمر برسانند و آن، مصادره چاه آرتزین ارزشمندی بود که متعلق به شخصی سرمایه داری بنام "مهندس شمس الدین غروی املشی عضو حزب "ملت ایران" بود که ده ها هزار تومان ارزش دارد که در حقیقت از خون روستائیان زحمتکش ساخته شده بود.

سرمایه دار مزبور که هر ساله با فروش آب و روستائیان زحمتکش برای مشروب کردن مزارع، چندین هزار تومان بدست می آورد، به هر نیرنگی متوسل شد و عوامل حکومتی را یکمک طلبید تا چاه را دوباره از دست روستائیان خارج کنند اما از آنجا که زحمتکشان روستا متحد شده و به حمایت از شورای خویش برخاسته بودند شورانه تنها توانست دست سرمایه دار و عوامل حکومتی را کوتاه کند، بلکه با فشاریه بخشداری املش آنرا وادار کردند که شورا را بر سمیت بشناسند.

از اقدامات دیگر این شورای روستایی دریافت سهمیه سیگار از دخانیات رودسر و توزیع آن بین روستائیان و درخواست ترمیم و بازسازی راه روستا و دریافت پول از بخشداری و مردم بابت مرمت جاده و رفع دیگر نیازهای روستا بوده است.

زحمتکشان مبارز یوسف آباد اکنون دریافت اندک تنهایی با اتحاد و همبستگی می توانند حقوق خویش را بدست آورند. آنها در عمل و در تجربه دریافتند که با تشکیل شورای واقعی می توانند در مقابل استثمار و اجحاف سرمایه داران و ملاکین انگل و مفتخورها ایستند و پیروز شوند.

.....

با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانید!

رفقای کرمانشاه ذ - ۲۲۸۸ ر - ۲۰۵۵ ع - ک ۱۰۷۲ ع - ز ۲۱۱۰ گ - ۵۲۲۲ ه - ۲۶۷۸	رفقای روستاهای م - خ - الف ۱۰۷۰۰ ریال	رفقای کردستان ع - ۳۰۰۰	رفقای انزلی ۱۰۰۰ ریال س ۵۰۰۳	رفقای قائم شهر ۱۹۴۴	ب - ۱۰۰۰ ریال ه - ۴ - ۵ ۵۰۰۰ ریال	ع - م لنگرود ۵۰۰۰ ریال	رفقای میاندوآب الف ۲۰۰۱ ریال ۱۰۰۰۰	رفقای فسر ۱۰۰۰۰ ریال	رفیق معلم ۵۰۰۰ ریال	دانش آموزان پیشگام اباذر ۱۲۵۰ ریال	رفقای دانش آموز م - ۵۶۰ و - ۱۸۴ ش - ۲۴۰	رفقای دیبستان رستم گیو ۲۲۵۰	هما ۲۰۰۰۰ ریال سیما ۲۰۰۰۰ ریال رفیق محمد ۳۰۰۰ رفیق سایو ۵۰۰۰ ریال آراز ۱۵۰۰ ریال رفیق داود ۱۷۰۰۰ رفیق اژدر ۵۲۵ ۳۰۰۰۰ رفیق کورش ۴۰۰۰ ریال لونا ۵۰۰ ریال رفیق مریم ۲۰۰ ریال	رفقای استراسبورگ ۱۵۸۸ - ف رفقای پاریس ۱۷۰۰ - ف رفقای بوهم ع - ر ۵۰۰۰ ریال رفقای استکهلم ۱۵۰۰ - ک رفقای حیدرآباد هندوستان نامه تان رسید	رفقای کردستان ع - ۳۰۰۰	رفقای آرمان زنجان ۲۰۱۱	۳ - ش ۸۴۵ رفیقی از اصفهان	رفیق رقیه ۵۰۰ ریال	رفیق م ۱۲۵ - ۵۰۰ ریال از کرمانشاه من محصل سوم راهنمایی هستم، تمام پس اندازم را که در طول چند ماه جمع آوری کرده بودم برای سازمان فرستاده ام، برادرم معلم اخراجی است و پدرم که کارگر روزمزد است تنها نان آور خانواده هشت نفری است. این پنجاه تومان را پنج ریال پنج ریال جمع کرده ام.	رفقای دیبستان رفیوفی ۲۵۵۰ ریال	رفقای دیبستان بهار آزادی ۱۲۰۰ ریال	رفقای خوزستان ۹ - ۱۱۳۰ ه - ۱۱۰۰ ه - ۲۰۰۰ تولاج ۵۰۹۹ م - ۲۱۱۵۰ ل - ۳۰۰۰ ش - ۷۱۱ پ - ۲۰۴۴ ج - ۴۰۰۶ ک - ۲۵۱۰ پ - ۳۵۳۹ ب - ۵۲۳۹	رفقای کرمانشاه ج - ۵۲۲۲ ک - ۳۳۴۵ ی - ۲۵۱۱ م - ۶۲۵ ن - ۵۲۰۰ ص - ۱۱۱۱ ج - ۳۲۳۲	رفقای دولت آباد ۲۰۰۰ ریال ۱۰۰۰ ریال	رفقای سروان ۵۰۰۰ ریال	رفقای صحنه ۶۰۰۰ ریال	شهرک اکباتان ۴۰۰ ریال ف - ۲۰۰۰ ریال	رفقای شبستر د - ۱۵۰۴ م - ۵۲۸۱ ف - ۱۰۲۲۲ ف - ۱۱۶۰ ع - د ۱۵۲۳۲ م - ۱۱۹۴	رفقای لرستان ع - ۲۰۳۶ ح - ۲۹۹۹ ر - ۲۴۰۴ م - ۱۱۱۱ ب - ۱۲۲۲ الف - ۱۳۳۳ م - ۲۱۰۲ ع - ۲۸۸۸ ف - ۳۴۴۴	ص - د ۳۳۳۱ ص - د ۶۱۶۱ ز - ۲۹۱۷ ۱۱۰۰۰ ه - مانا ۱۰۰۰ ریال ع - ص ۳۰۰۰ ن - ن ۱۰۰۰ ت - م ۱۰۰۰ م - ۱۱۳۹۱ ف - د ۲۵۰۶ بن - ۱۰۰۰ ن - ج ۲۰۰۰ ز - م ۲۱۲۵ حم - ۵۰۵۰ ر - الف ۲۱۳۵ ر - ع ۵۸۲۱ م - د ۳۵۵۵
--	---	---------------------------	------------------------------------	------------------------	---	---------------------------	--	-------------------------	------------------------	---------------------------------------	--	-----------------------------------	---	--	---------------------------	---------------------------	------------------------------	-----------------------	---	--------------------------------------	--	---	---	---	--------------------------	-------------------------	---	---	--	---

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



هسته‌های سرخ کارخانه

به مثابه سنگ زیربنای حزب پرولتاری

۴- شکل سازمانی واحدهای کارگری

سازماندهی نیروها در کارخانه باید متبنی بر اهدافمان در آنجا باشد. ولی شکل سازمانی عام نیروها در کارخانه باید طوری باشد که بتوانیم بدو خواسته زیر دست یا بیم:

- ۱- توانائی در رهبری توده کارگران، سازماندهی و آگاه کردن آنان.
- ۲- جلوگیری از آسیب پذیری نیروها - یمان، تا حد امکان.

باید بتوانیم نیروی خود را بشکلی سازماندهی کنیم که موثرترین شکل رهبری توده کارگران باشد. یعنی اینکه آن شکل سازمانی را در بین رفقای خود، کارگران پیشرو، کارگران معترض و مبارزین صنفی کارخانه بوجود آوریم که بتوانند بهترین نحوی بسیج کنند و سازماندهنده کارگران در برابر کارفرمایان باشد.

سازماندهی مادر کارخانه باید طوری باشد که ضمن کشیدن حفاظ امنیتی برای رفقای خود، قدرت رهبری کارگران و آگاه کردن آنها را از ما سلب نکند. بر اساس خواسته‌های فوق، تلفیق کار مخفی و علنی و استفاده از طرح لنینی حوزة های کارخانه، شکل سازمانی واحدهای کارگری زیر را ارائه می کنیم.

ما با این نوع شکل بندی ادامه کاری خود را درون کارخانجات تضمین خواهیم کرد، و میتوانیم به بهترین نحوی از یک طرف اشکال مبارزاتی و سازمانی توده ها را ارتقاء داده و از طرف دیگر چهره اپورتونیسیم راست را که مدام فریاد میزند آئی کارگران تند نروید. مشت خود را گره نکنید. قانونی اقدام نمائید. و... رادرجنبش کارگری - کمونیستی ایزوله نمائیم

ما با سازماندهی نیروهای پیشرو بر اساس طرح فوق در کارخانه، قادر خواهیم بود ضمن حفظ هسته های سیاسی مخفی، به بهترین شکلی توده های وسیع کارگری را در سازمانهایی همچون شوراها، سندیکاها و... متشکل نمائیم. ما به این ترتیب در انیم کار مخفی و کار علنی را با مرکزسی مشخص از یکدیگر جدا نموده و به بهترین شکلی آنها را تلفیق نمائیم. به این ترتیب رفقای علنی کار ما در شوراها و سندیکاها و... وظایف صنفی خود را پیش خواهند برد، بدون آنکه ملزم بدان آگاهی سیاسی و افشاگری مستقیم از حاکمیت باشند، که خود تا حد بسیار زیادی جلوی ضربه خوردن آنها را خواهد گرفت، ضمن اینکه خلا آگاهی سیاسی و کارتلیفی و ترویجی در کارخانه توسط رفقای مخفی کاربر خواهد شد.

اکنون قبل از آنکه به وظایف هسته های سیاسی - مخفی و هسته های صنفی - علنی که هر دو هسته های سرخ کارخانه، با دو وظیفه متفاوت میباشد بپردازیم، توضیحی چند درباره کمیته کارخانه ضروری بنظر میرسد.

درباره کمیته یا حوزة کارخانه:

اگر کمیته کارخانه مسئولیت اداره چندین کارخانه هم تولیدی هم منطقه را بعهده داشته باشد. باید یک کمیته اصلی و چندین کمیته فرعی کارخانه تشکیل شود. آنگاه در کمیته اصلی فقط مسئولین کمیته های کارخانه حضور یابند، بدین ترتیب

تحت این شرایط کمیته کارخانه ما را فقط یک نفر مسئول سازمانی تشکیل میدهد، که با یک نفر فعال سیاسی - مخفی و یا صنفی - علنی ارتباط دارد این رفقا تمام مسئولیت تبلیغ و ترویج توزیع و گسترش تشکیلات را بعهده دارند تا در پیرویه خود را از نظر کمی و کیفی رشد داده و تقسیم کار و وظایف آنها مطابق با شکل سازمانی واحدهای کارگری گردد. برای رفقا ئیکه با اینچنین شرایطی روبرو هستند باید وظیفه گسترش تشکیلات و جذب نیروی با کیفیت عمده گردد. یعنی در دوره ابتدای فعالیت ساختن استخوان بندی تشکیلات درون - کارخانه مبرمترین وظیفه ماست، و از طرق مختلف میتوان به آن رسید که در بخشهای بعدی توضیح خواهیم داد.

البته ممکن است در شرایطی با کثرت نیرو و روبروشیم که در این صورت تعداد هسته های مخفی و علنی بر اساس سیاست روند تشکیلاتی (که آن نیز در بخش های بعدی خواهد آمد) باید گسترش یابد ایجاد نشریه کارخانه از وظایف کمیته کارخانه میباشد. این نشریه با طرح مداوم مسائل سیاسی - اقتصادی کارگران باید برای آگاهی طبقاتی آنها افزوده و زمینه سازی باشد تا - توسط نشریه ارگان مرکزی - کارگران را به درون فعالیت سیاسی طبقه کارگر بکشاند. از طریق این نشریه دایره سمپاتی آنها پیوسته گسترش مییابد و زمینه مناسب برای جذب نیروهای جدید و فعالیت بهتر در سطح کارخانه مهیا میگردد.

۴- وظایف هسته های سیاسی - مخفی کارخانه

وظایف این هسته ها را میتوان به دو بخش کلی تقسیم کرد: یکی وظایف بقیه در صفحه ۱۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱۳

درونی هسته، دیگری وظایف بیرونی آن، که به کارخانه مربوط میشود. و در ثانی، هر یک از این وظایف خود به دو قسمت: وظایف تشکیلاتی، و وظایف سیاسی - ایدئولوژیک هسته، تقسیم خواهد شد.

وظایف درونی، وظیفه سیاسی - تشکیلاتی است که هسته در قبال خود دارد، که باید کیفیت و توان خود را هر لحظه افزایش دهد. تکیه روی مسائل مبرم جنبش و توانائی در پاسخگویی به آنها - در این صعود کیفی، الزامی است. وظایف بیرونی، مسئولیتی است سیاسی - تشکیلاتی که هسته در قبال کارخانه دارد. این مسئولیت را که جنبش از طریق سازمان یا حزب - به عهده هسته می گذارد، دارای اهمیت اساسی است و آن عبارت است از رشد آگاهی کارگران (که در شرایط کنونی باید مضمون زدودن هر چه بیشتر توهم کارگران از حاکمیت و ایزوله کردن اپورتونیسیم راست از جنبش کارگری را داشته باشد)، سازماندهی آنها و ارتقاء سطح مبارزاتی شان، و از همین رو است که هسته های کارخانه، بمثابه سنگ زیربنای حزب پرولتری عمل میکنند.

الف وظایف درونی هسته ها

- ۱- وظایف تشکیلاتی درون هسته ها:
 - ◆ آموزش مسائل امنیتی و تعیین دقیق چگونگی حرکت ظاهری در کارخانه و طرز برخورد با دیگر کارگران.
 - ◆ آموزش تصفیه در خیابانها و فراگیری شیوه های تعقیب و ضد تعقیب
 - ◆ برنامه ریزی برای اوقات بیکاری هسته در روز. نوشتن برنامه و کنترل آن توسط مسئول هسته.
 - ◆ سعی در ایجاد روحیه و خصلت های انقلابی، از طریق ایجاد فضای رفیقانه در هسته.
 - ◆ اجرای دقیق انتقاد و انتقاد از خود.
 - ◆ آموزش شیوه صحیح گزارش

هسته های سرخ کارخانه

نویسی. رفقای درون کارخانه باید به گزارشگران قابل تبدیل شوند. لازم است که گزارش دهی بقدری سیستماتیک شود که بصورت یک روش وضع شده بعنوان بهترین رسم جنبش کمونیستی درآید. (کمنیترن).

کنترل و بازخواست دیگر ارگانهای تشکیلاتی سازمان و شرکت فعال در بهتر شدن عملکرد آنها.

۲- وظایف سیاسی - ایدئولوژیک درون هسته ها

◆ پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک درون هسته ها، همگام با کل تشکیلات (در صورت توانایی هسته) تهیه و اجرای برنامه های آموزشی تئوریک دوره ای (مثلاً "۲ ماهه").

◆ کتب تهیه شده باید در سطحی باشد که با کیفیت رفقای هسته همخوانی داشته باشد. گذاشتن مطالعات فردی و مطالعه جمعی در هسته ها. این برنامه ها میبایست توسط هیئت سیاسی سازمان یا کمیته کارگری آن تدوین و ارائه شود.

◆ مطالعه و بررسی نشریه ارگان رسمی - کنترل رهبری سیاسی - ایدئولوژیک سازمان بطور پیگیر و دائمی.

◆ تقسیم کار در بررسی و تعقیب وضع سیاسی جامعه بطور اعم و اوضاع کارگری بطور اخص باید در دستور کار هسته ها باشد. رفقای هسته باید هر هفته چند ساعت از وقت خود را به این مطلب اختصاص دهند. در مورد اول رفقا میتوانند با تقسیم کار در بین خود مثلاً

- موارد زیر را از طریق روزنامه ها تعقیب کرده و هر هفته خلاصه ای از آنرا در جلسات ارائه دهند.
- ۱- وضعیت سیاسی حاکمیت، بررسی عملکردها و تضادهای درونی آن.
 - ۲- بررسی حرکات اعتراضی مردم و مسائل آنها و واکنش ذهنی شان.
 - ۳- حرکت های اقتصادی رژیم.
 - ۴- بررسی حرکت اپوزیسیون در رابطه با ایران و منطقه از نظر اقتصادی سیاسی، نظامی، و در رابطه با آن حرکت نمایندگان سرمایه های بزرگ ضربه خورده را مورد مذاکره قرار دادن.

در مورد دوم یعنی بررسی اوضاع جنبش کارگری در هر هفته، میتوان چنین تقسیم وظایفی نمود:

- ۱- وضعیت شوراهای کارخانه.
 - ۲- وضع اعتراضات کارگری و خواست های آنان.
 - ۳- وضع انجمن های اسلامی و مدیران درون کارخانه ها.
 - ۴- عملکردهای ارگان های دولتی در رابطه با کارگران.
- پس از بحث روی مسائل فوق، باید موضع گیری اپورتونیسیم راست در قبال هر یک از مسائل فوق را شناخته و چگونگی ایزوله کردن آن، و هدایت جنبش کارگری را (چه در مورد یک کارخانه وجه در مورد طبقه کارگر) به بحث گذاشت.
- ◆ رفقای هسته ها، خود باید شروع به نوشتن اعلامیه و تراکت به تبلیغی در مورد مسائل موجود در کارخانه نمایند. این نوشته ها را در هسته ها به بحث گذاشته و نقاط ضعف یا صفات برجسته آنها مشخص کنند و (در صورت لزوم) پخش گردد). ادامه مستمرا این کار، گام بسیار مثبتی است در جهت ارتقاء رفقای هسته تا حد مسئولین کارخانه.

ب وظایف بیرونی هسته ها

- ۱- وظایف تشکیلاتی هسته ها در کارخانه
- بقیه در صفحه ۱۷

اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

سیر فقه‌رایی "کمیته مرکزی"

آن نیز بر احوال و بدون ارائه کوچکترین تحلیل "عالم وجود شورای واقعی" حذف گشت و "کمیته مرکزی" در (ارگان سراسری) شماره ۷۰ خود در مقاله "بررسی انتقادی قانون کار ۰۰۰" در جواب کنگره شوراها اسلامی که می‌تواند "بخاطر نیا ز کشور به استقلال و خودکفائی... ساعات کار در هفته ۴۸ ساعت مقرر میگردد" می‌نویسد:

البته برای خودکفائی و مبارزه علیه وابستگی به امپریالیسم کار بیشتری باید انجام گیرد ولی این بدان معنا نیست که این کار بیشتر با تحمیل و فشار بیشتر بر کارگران شاغل باشد... و بدین صورت با زیرپا نهادن اصول اولیه تحلیل طبقاتی و همچنین زیرپا نهادن حرف خود مبنی بر لزوم وجود شوراها و واقعی، کارگران را دعوت میکند تا برای برگردن هر چه بیشتر حیب سرمایه داران وابسته و در نتیجه سرشار تر نمودن سود امپریالیسم به تولید بیشتر بپردازند ولی مطرح میکند که این تولید بیشتر باید با استفاده از عده‌ای از یک کارگران انجام شود و نه فشار بیشتر بر کارگران شاغل (که با در نظر گرفتن موضوع یعنی "کمیته مرکزی" بنظر میرسد این مساله بیشتر از روی احساس ترحم و شفقت طرح شده تا دید طبقاتی). با شروع جنگ پرده‌ها هر چه بیشتر کننا می‌روند و پیمان دوستی اپورتونیست‌ها و بورژوازی عیان تر میگردد. شرایط جنگی باعث میشود که بورژوازی لحن صریح ترویج پرده‌تری اتخاذ کند و بدون هیچگونه پرده پوشی کارگران را به تولید هر چه بیشتر بدون کوچکترین چشمداشت "بخواند و از" خیر و برکت‌های جنگ سخن براند. (ما قبلا نمونه‌های بسیاری از این شیوه برخورد بورژوازی را طرح کرده ایم) اپورتونیست‌ها

نیز برای آنکه از قافله عقب نمانند پرده‌های شرم و حیا را بکناری زده در "ارگان سراسری" شماره ۸۰ در مقاله "کارگران مبارزان ایران... بنا" ارگانهای بورژوازی و دولتی بر قایت می‌پردازند. در این مقاله "کمیته مرکزی" با اعلام حمایت بی دریغ از کارگران کارخانه قند اصفهان که تنه چهار ساعت اضافه کاری (بدون دستمزد) داده‌اند و همچنین کارگران شرکت "آما" که پنجشنبه و جمعه‌ها را نیز بکار می‌پردازند این عمل را نشانه رشد آگاهی کارگران دانسته تمام می‌کارگران را به پیروی از این روش میخواند. در نتیجه اپورتونیست‌ها در گام بعدی حرکت خود با زیرکی تمام شرط یکا رگیری کارگران بیکار برای افزایش تولید را نیز از گفته‌های

بقیه در صفحه ۱۶

از لابلای تمامی سطور "ارگان سراسری بیرون میزند. برای مشخص تر شدن این مساله، چند نمونه از مسائلی را که در "ارگان سراسری" (شماره ۸۱) طرح، وهم چنین سیر حرکتی را که با این مواضع منجر شده است بررسی کنیم:

"کمیته مرکزی ارگان سراسری" شماره ۸۱ خود تحت عنوان "کارگران شیشه و گاز... مینویسد:

"با شروع جنگ تحمیلی، کارگران در دوشیفت ۱۱ ساعته و ۱۳ ساعته و در شرایطی که همه هواکش‌ها و منافذ سالنهای کارگاه بخاطر جلوگیری از تابیدن نور، باید مسدود یا شیشه‌ها را طاق‌ت فرسای شبانه روزی در فضائی خفه و داغ در کناره‌ها بکار می‌بردند. این فداکاری و تحمل انقلابی در سخت‌ترین شرایط کار، بیانگر رشد آگاهی، هشیاری انقلابی و درک مسئولانه عمیق طبقه کارگر تهران میهن‌ماست شایسته است که این درک مسئولانه انقلابی، سرمشق همه کارگران و زحمتکشان میهن مقرر بگیرد"

عمق انحطاط این حاکمان دروغین طبقه کارگر در پی این جملات پیدا است، بورژوازی با داشتن چنین مبلغینسی دیگر چه غمی دارد. از نظر "کمیته مرکزی" تن دادن به شدیدترین نوع استثمار در محیطی خفقان آور و شرایطی طاقت فرسا با کمترین دستمزد و مزایا، فرسوده شدن هر چه سریع تر کارگران، از دست رفتن تمامی توان و نیروی با زوی زحمتکشان در زیر چرخ دنده‌های کارخانجات بخاطر تولید بیشتر در خدمت سرمایه داران، این است درک مسئولانه انقلابی "طبقه کارگر بنظر میرسد عقب افتاده ترین و ناآگاه ترین اقشار پرولتاریا از نظر سوسیال شونیست‌های ما، مسئول ترین و انقلابی ترین کارگرانند.

ابتدای حرکت، لزوم اضافه کردن تولید با شیوه‌ای فریبکارانه آغاز گشت. بر طبق روال معمول اپورتونیست‌ها برای طرح مساله در اذهان توده‌های هوادار و آماده نمودن آنها در جهت پذیرش نتایج بعدی آن، در کار ۵۹، مساله را در لغافه و بشکل زیر کانه‌ای طرح نمودند:

"آنجا که شوراها واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است، کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان چه دشوند"

(تا کید از اپورتونیست‌هاست) همانطور که این مساله بدون ارائه کوچکترین تحلیلی طرح شده بود در پی

"جنگ موجب تسریع این تکامل گردیده، اپورتونیسم را به سوسیال شونیسم بدل کرده، وحدت پنهانی بورژوازی را به وحدت علنی تبدیل نموده است...

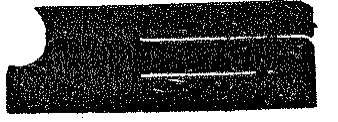
اپورتونیسم و سوسیال شونیسم یک مضمون سیاسی - ایدئولوژیک دارند، همکاری طبقاتی بخای مبارزه طبقاتی، چشم پوشی از شیوه‌های انقلابی مبارزه، باری کردن حکومت کشور "خود" در موقعیت پریشانی بخای بهره برداری از این پریشانی برای پیش برد انقلاب".

لنین - سوسیالیسم و جنگ سوسیال شونیست‌های "کمیته مرکزی" که سیر فقه‌رایی خود را با سرعتی وصف ناپذیر طی کردند، اینک بطور کاملی در پشت سر حاکمیت بورژوازی حرکت میکنند. آنها اینک دیگر از معلم برجشان "حزب توده" چیزی کم ندارند. بصورت یکپارچه تقدیس و تطهیر حاکمیت بورژوازی را وظیفه خود قرار داده‌اند و میکوشند توده‌های خلق و کارگران و زحمتکشان را که بسرعت توهمات خود را نسبت به حاکمیت از دست میدهند چند روزی بیشتر در دام بورژوازی حفظ کنند میکوشند توجیه گسترده‌ای سیاستهای ضد خلقی و بورژوازی حاکمیت باشند و در جایی که دیگر چنین عملی ممکن نیست و با در زمانی که حاکمیت با "نمک شناسی" حرکتی بر ضد خودشان انجام میدهد، با نسبت دادن این حرکات و اعمال به "دستهای مرموز و مشکوک" و یا "ایادی مجهول" از امپریالیسم و یا اشباح و ارواح آسمانی و بیرون مرزی و... از هرگونه هدشه‌ها رکردن حیثیت حاکمیت و از هر گونه ضربه خوردن بر توهمات توده‌ها جلوگیری کنند.

مادر این مقاله بر آن نیستیم که به بررسی بنیادهای تفوریک سوسیال شونیسم و یا به برخوردی ایدئولوژیک با آنان بپردازیم (اینگونه برخورد بیکرات انجام گرفته و همواره نیز ادامه خواهد داشت) بلکه در صدد آنیم تا چند مورد ساده از سیر فقه‌رایی "کمیته مرکزی" با عمق دره سازش طبقاتی را مثال بیاوریم تا با ردیگر ضمن اثبات تمامی گفته‌هایمان در این مورد، این حکم نیز بعینه اثبات شود که چگونه "جنگ موجب تسریع این تکامل گردیده، اپورتونیسم را به سوسیال شونیسم بدل کرده، وحدت پنهانی اپورتونیست‌ها و بورژوازی را به وحدت علنی تبدیل نموده است".

برای ذکر این مثال‌ها احتیاج زیادی به جستجو و تفحص نیست به هر قسمت از ارگان سراسری نگاه کنی نمونه‌ای بدست می‌آید. اپورتونیسم

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک



قبلی شان حذف میکنند و خواسته های پورژوازی را صریح و بی پرده بیان می کنند. این شکل از موضع گیری در عین حال جواب روشنی است به آن عده از رفقای کسبه و خوشیا و رانه تصور میکنند با ذکر تیودی چون "تولید بر اساس امکانات موجود" اپورتونیسیم براه راست هدایت است میشود. (توصیه میکنیم تمامی این رفتارها این مقاله از ارگان سراسری شماره ۸۵ را با مقاله "ما کارگران متعهد و مسلمان را به کار و تولید بیشتر فرا میخوانیم" در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ مهر و نیز سخنان وزیر صنایع و معادن، هاشمی رفسنجانی و سایرین در مورد افزایش تولید در جمهوری اسلامی ۱۳ - ۱۴ و ۱۵ مهر مقایسه نمایند تا موضع مشتت - مرک اپورتونیسیتها و پورژوازی هر چه بیشتر مشخص گردد). ولی مسلم است سوسیال شونیستها به دنبال روی از پورژوازی اکتفا نمیکنند بلکه میخواهند به هر صورت ممکن خوش خدمتی و آستان بوسی خود را بدرگاه حاکمیت و سرمایه داران اعلام دارند تا مگر گوشه ای از مراحم آنان شامل حالشان گردد در نتیجه این بار با وثیقه نهادن جان کارگران و زحمتکشان و مایه گذاشتن از "جوانی" و نیروی بازوی آنها به اعلام مراتب خوش خدمتی میپردازند و در "ارگان سراسری" شماره ۸۱ و در مقاله "کارگران شیشه و گاز..." با وقاحت تمام مینویسند: "کارگران در دو شیفت ۱۱ ساعته و ۱۳ ساعته و در شرایطی که همه هواکشها و منافذ سالنها کارگاه، بخاطر جلوگیری از تابیدن نور باید مسدود باشند، بکار طاقت فرسای شبانه روزی در فضائی غفه و داغ و در کنار کوره ها بکار میپردازند"، "این فداکاری و تحمل انقلابی سخت ترین شرایط کار را برانگیزد آگاهسی، هشیاری انقلابی و درک مسئولانه عمیق طبقه کارگر تهران میهن ما است. شایسته است که این درک - مسئولانه انقلابی سر مشق همه کارگران و زحمتکشان میهن ما قرار گیرد". لازم به توضیح بیشتری در این مورد نیست "گرایش قهرائی" "کمیته مرکزی" در این زمینه که توسط ایجاد شرایط جنگی بین ایران و عراق تسریع گشته و شکلی بی پرده رخ مینماید در روزی این حملات بخوبی آشکار است. حملاتی که با صحنه نهادن بروحشیا نه ترین شکل استثمار و بهره کشی در چنین شرایط سخت و طاقت فرسائی هر کمونیست و هر مدافع طبقه کارگر رابه نفرت و امی دارد. موردی دیگر از برخورد سوسیال شونیستها در اخبار کردستان، "ارگان سراسری" شماره ۸۱ چشم میخورد. در این اخبار پس از ذکر چند خبری در پی از حمله حزب دمکرات به ستونهای ارتشی "عازم تصریح برین میاند آب، کمیته مرکزی مینویسد: "در جریان این حمله یک میگ عراقی نیز به هلیکوپترهای اسکورت ستون حمله ورمیشود. پس از این حمله پاسداران مستقر در میاند آب روستاهای محل حمله را با توپخانه مورد حمله قرار

سیر قهرائی... بقیه از صفحه ۱۵

میدهند که در نتیجه روستای خم قلعه کاملاً منهدم میگردد و نیز لشکر ۴۴ به دنبال این حمله اعلام نمود که به ازاء هر خود رو یک روستا را مورد حمله قرار خواهد داد.

"کمیته مرکزی" این حملات را بدون کوچکترین اظهار نظر و با تفسیری نوشته و در آخر نیز ذکر کرده که: "طرف چپ در روز گذشته در خا ده ارومیه و میاند آب به مهاجرت، ارتش ضربات شدیدی را از جانب حزب دمکرات متحمل گردیده است".

مساله کاملاً روشن است، "کمیته مرکزی" میخواهد با سودجویی از شیوه پورژوازی روزنامه نگاری با ارائه چند خبر دست چین شده به خواننده تداعی نماید که نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد اولاً به ستون های عازم مرکز برای "مقابله با عراق" میروند و پورش میبرند و آنان را متوقف میسازند، تا نیا این نیروها با عراق در ارتباطی جان تنگاتنگ! قرار دارند که حملات خود را با یکدیگر برنامه ریزی میکنند! از سوی دیگر پاسداران این نیروهای مترقی وضد امپریالیست "و ارتش این نهاد انقلابی مدافع میهن! در قبال حملات وحشیانه نیروهای کرد مجبور شده اند که یک روستا را با خاک یکسان کنند و اعلامیه ای نیز مبنی بر نابودی روستاها در عوض خودرها صادر نمایند. "کمیته مرکزی" با این عمل خود میخواهد با یک تیر دو نشان بزند اول اینکه نیروهای سیاسی خلق کرد را در اذهان توده ها ضداً انقلاب و مزدور وابسته عراق جا بزند و از سوی دیگر آب تطهیر بر سر ارتش ضد خلقی و پاسداران سرکوبگر جمهوری اسلامی بریزد و آنان را در عوض نیروهای ضدا امپریالیست جا بزند.

"کمیته مرکزی" برخورد اپورتونیسیتی خود را با جنگ کردستان (در وجه عملی) با شرکت خجولانه در این جنگ شرکت بدون نام سازمانی که بر طبق نظرات اکثریت صورت میگرفت) آغاز نمود که این شکل فرصت طلبانه شرکت در مبارزات خلق کرد در تداوم خود به اعلان جنگ کردستان بعنوان جنگ برادر کشی انجامید یعنی جنگی که در دوسویش دوبرادر ایستاده اند یکی از برادرها خلق کرد و دیگری برادر او ارتش ضد خلقی و در راس آن فلاحی ها، ظهیر نژادها و جمران ها هستند، برادر دیگر خلق کرد، سپاه پاسداران است که با وجود نوب بودن تجربیات وسیعی در سرکوب کارگران و زحمتکشان و خلقهای ایران اندوخته است) و در همین ضمن شعار "سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند" نیز به شعار برقراری صلح در کردستان بدل گشت در پی این "گرایش نوین" بود که تمامی جنبه ها زیر و رو گشت. "جنگ افروزان" که در راس ارتش و در درون حاکمیت قرار داشتند این بار در درون جنبش خلق کرد جای گرفتند، "ایادی امپریالیسم" و "دستهای مشکوک" نیز تغییر جهت

دادند و سر از درون نیروهای مبارز خلق کرد در آوردند. اگر تا بحال "جنگ طلبی" برخی از جناحهای حاکمیت "و" سران ارتش" باعث ادامه جنگ و کشتار در کردستان بود این بار حرکات نیرو و آرایش جنبش مقاومت بود که جنگ برادر کشی را تداوم بخشید و بالاخره اگر تا بحال "مزدوران امپریالیسم" در ارتش رخنه داشتند این بار سران و رهبران نیروهای سیاسی کردستان به عوامل "بعث پرورده" و "ضدانقلاب" بدل شدند و در تداوم این "گرایش قهرائی" است که ارتش پاسداران آنچنان تطهیر میشوند که اگر روستائی را به توپ میبندند و با خاک یکسان میکنند و اگر دست خود را بخون خلق کرد آغشته مینمایند فقط از روی اجبار و برای دفاع از جان و بعثت حملات حزب دمکرات و سایر نیروهای سیاسی منطقه است و پس، این مواضع تسلیم طلبانه و سازشکارانه و این برخوردهای فرصت طلبانه احتیاجی به پاسخ ندارد. پاسخ "کمیته مرکزی" را خلق کرد با حذف پشتیبانی خود از اپورتونیسیتها و با یکی دانستن آنها با "حزب توده" داده اند. نمونه ای از نفرت خلق کرد از اپورتونیسیت های "کمیته مرکزی" اینکه در تاریخ نهم مهر ماه توده های خشمگین کرد پس از حمله به دفتر بوکان "اکثریت" و مصادره انقلابی اموال آن را به آتش کشیدند و همچنین در مراسمی که در روز عید غدیر بدعت سپاه پاسداران و با حمایت اکثریت و حزب توده در مهاباد برگزار شد ۲۵۰ نفر شرکت کننده در مراسم، در مقابل خشم انقلابی توده ها قرار گرفته و فراری شدند ولی بهتر است "کمیته مرکزی" نیز به هوادارانانش پاسخ دهد که چرا اگر این چنین که او مدعا و ماتیلغ میکند کردستان مقرر ضداً انقلاب، مقرب اختیار و پالیزبان و اویسی و مقرایساد امپریالیسم و بعث پروردگان مزدور است اگر اینگونه نیروهای سیاسی خلق کرد که پایگاه وسیعی نیز در میان توده ها دارند (و خود "کمیته مرکزی" به این مساله اذعان دارد) تحت نفوذ ایادی عراق و در زد و بند با آنند پس چرا عراق بخود جرات نمیدهد که با نجا حمله کند. چرا عراق "منطقه آزاد شده" مورد نظر خود را در نجا اختیار نمیکند؟ چرا تمامی سطر هر شماره از "ارگان سراسری" انباشته از چنین مثالهایی است. اما تصور میکنیم مثالهای ذکر شده "گرایش قهرائی" "کمیته مرکزی" به اعماق اپورتونیسیم را بشکل روشنی مشخص میسازد.

آخرین نمونه از این شکل برخورد شرکت "کمیته مرکزی" در راهپیمائی ۱۲ آبان است. "کمیته مرکزی" با شرکت خود در این راهپیمائی (به بیان صریح تر راهپیمائی آزادی گروگانها) نهایت انحطاط خود را بنمایش در آورد. ما مشخصاً اعلام میکنیم صرف نظر از اینکه "کمیته مرکزی" برای آزاد شدن جاسوس های آمریکائی چه محمل های توجیهی بتراشد و بدان چگونه برخورد نماید در عمل با شرکت در این راهپیمائی تأییدگامی خود را بر آن نهاده و بدینوسیله در فریب و تحمیق توده ها با حاکمیت شریک گشته است.

مبارزه ایدئولوژیک علی گامی است در جهت وحدت جنبش کمونیستی



- ◆ بقیه از صفحه ۱۴
- ◆ تهیه شناسنامه کامل کارخانه.
- ◆ کشف بهترین طریق توزیع نشریات در کارخانه.
- ◆ شناسائی نیروها تیکه حاضرند اعلامیه‌های ما را پخش کنند. و رساندن غیرمستقیم اعلامیه‌ها به آنان.
- ◆ وظیفه شناسایی افراد مترقی، کارگران پیشرو و... بعنوان یک وظیفه همیشگی.
- ◆ رفقای هسته باید اساسی ترین وظیفه خود را قبل از هر چیز، نقش شاخکهای حسی فوق العاده قوی سازمان (یا حزب) در کارخانه بدانند این رفقا باید چشم و گوش وزبان پرس و جوگر سازمان در کارخانه باشند. این رفقا باید تا اعماق کارخانه را زیر پوشش بگیرند. این عمل هیچ لزومی به ارتباط تشکیلاتی داشتن زیاد با کارگران ندارد، کافی است با یک کارگزار هر قسمت دوست بود.
- ◆ رفقای هسته باید برخورد خورده را با کارگران شدیداً "زیر کنترل" بگیرند، بطوریکه آنها متوجه کارکرد سیاسی رفقا نشوند، به تجربه دیده شده که دفاع بموقع رفقا از اعلامیه‌ها یا نشریات ما، یا بکار بردن اصطلاحات نوشته‌ها یمان و از این قبیل..... ظن اطرافیان را برانگیخته است.
- ◆ رفقای هسته باید در کارخانه، آن چنان برخوردی داشته باشند که با تعداد زیادی کارگزار ارتباط رفیقانه داشته باشند. برخورد مداوم با این افراد هم در جمع آوری خبر کمک میکند و هم جلوی انحرافات ما را (از قبیل چپ و راست زدن احتمالی) میگیرد.
- ◆ وظایف سیاسی هسته‌ها در کارخانه شناسایی و کشف خواستهای کارگران بطور اعم و عمده ترین خواست کارخانه بطور اخص که تبلیغ

هسته‌های سرخ کارخانه

و ترویج روی آن بیشترین نیرو را بسیج میکند.

◆ کشف فشارها و ستمها تیکه در بخش‌های مختلف به کارگران روامی دارند. در این مورد حتی از ستم احتمالی که به یک فرد نیز وارد میشود، نباید گذشت.

◆ بررسی وضعیت نیروهای سیاسی دیگر در کارخانه، شیوه‌های کارکردشان، خط حرکتی شان (مضمون تبلیغ و ترویج)، واکنش کارگران درباره تبلیغ و ترویج آنها، از مواردی است که باید دقیقاً تعیین شوند.

◆ روانشناسی کارگران کارخانه، بررسی روحیه کارگران و گرایشات فرهنگی موجود در سطح کارخانه. کشف این مسایل بما کمک میکند تا بتوانیم بهترین شیوه کارکرد در سطح کارخانه را دریابیم.

◆ رفقای هسته باید همواره درصد یافتن طرقی باشند که بتوانیم از جریاناتی که درون بالایی‌های کارخانه می‌گذرد مطلع شویم اطلاع از مسائلی مانند: درآمد کارفرمایان، چگونگی زندگی آنها گذران اوقات بیکاری آنها، اطلاع از مقامات دولتی و ارگانهای سرکوب کارگران و غیره... اینها همه بعنوان مواد اولیه‌ای هستند که اگر در رابطه با مشکلات و مسایل کارگران مطرح شوند، بیشترین تاثیر تبلیغی را بجای می‌گذارند

◆ تشویق و هدایت کارگران بشرکت هر چه فعال تر در شوراها و سندیکاها و دیگر تشکلهای توده‌ای. (چشم شفاهی و چه کتبی).

◆ تعیین سطح سیاسی کارگران کارخانه و مسائل مطروحه بین آنها، برای معین کردن سطح و نوع تبلیغ و

ترویج. سعی در ایجاد نشریه کارخانه، که بمثابه وظیفه بسیار مهم هسته‌های سیاسی - مخفی میباشد. این نشریات، بهترین طریق نشان دادن شرکت ما در مبارزات روزمره کارگران، هدایت آنان و ایزوله کردن اپورنیسم راست میباشد (در شرایط کنونی).

◆ هسته‌های مخفی باید با تبلیغ و ترویج وسیع و پخش اعلامیه‌ها و نشریات، آگاهی کارگران را بالا برده، و به ارتقاء سطح تشکلهای آنان یاری رسانند، و درجهتی که مبارزه صنفی می‌طلبند، تشکلهای توده‌ای را رادیکالیزه، تقویت و جهت‌دار نمایند. با بهره‌برداری از مبارزات اقتصادی بنفع مبارزات سیاسی و ارتقاء ایسی مبارزات به سطح اعتراضات سیاسی و انقلابی، آن را در خدمت جنبش کارگری و کمونیستی قرار دهند. تبلیغ و ترویج هسته‌های مخفی باید بر استحکام مبارزه اقتصادی و اعتصابات که هسته صنفی در صفا اول آن قرار دارد، بیفزاید.

◆ رفقای هسته باید عمیقاً در وضع و شکل اعتراضات درون کارخانه قرار داشته باشند. و بتوانند سطح جنبش را در این کارخانه با کارخانه‌های هم تولید آن و کل جنبش کارگری شهرستان و کشور قیاس کرده و با اتخاذ تاکتیک مناسب در جهت پیوند آنها با یکدیگر بکوشند. رفقا باید بتوانند اشکال اعتراضی آینده را پیش بینی کنند و اینها ممکن نیست مگر اینکه با یکایک کارگران کارخانه و مسایل آنها ارتباط تنگاتنگ داشته باشیم.

* * *
* بعلمت مسائل امینتی پیاره‌ای از قسمت‌های این نوشته حذف، و بجای آن چند نقطه گذاشته شد.

تعطیل دوروز در هفته‌گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

افزایش مالیاتهای غیرمستقیم...

بقیه از صفحه ۱

برخوردار است، تا افزایش بهای بنزین بر افزایش قیمت کالاهای دیگر است. با همان سرعتی که قیمت برخی از کالاهای بالایی رود و دولت مالیاتهای غیرمستقیم را بر بخشی از ما بخواهد، زندگی مردم افزایش می دهد، قیمت سایر اجناس و لوازم مورد نیاز زوده ها نیز افزایش می یابد.

دولت جمهوری اسلامی برای تامین هزینه های جنگ مناسب ترین راه را در افزایش مالیاتهای غیرمستقیم یافته است و در آینده ما شاهد افزایش مالیاتهای غیرمستقیم بر بخشهای دیگر از کالاهای لوازم مورد نیاز زوده ها خواهیم بود.

توده ها به تنها بایدها مالیات غیرمستقیم را بردوش بکشند، بلکه همراه با افزایش مالیاتهای غیرمستقیم باید کالاهای دیگر را نیز به قیمتی گرانتر بخرند. بدین طریق با گذشت هر روز بر قیمت کالاهای اجناس مورد نیاز مردم افزوده خواهد شد، تا سرمایه داران - سودهای کلان تری را بحسب برتنند و هزینه های این جنگ خانمان برانداز تا مین گردند.



هزینه های این جنگ خانمان برانداز نیست و نخست وزیر راست می گویند، پس چرا بهای هر لیتر بنزین در کشور ماکه خود تولید کننده آن هستیم باید گرانتر از کشورهای باشد که وارد کننده نفت و بنزین هستید؟ هر کسی که استدلال نخست وزیر را شنیده باشد، در همان لحظات اول پی برده است که او بخواهد آشکارترین وجهی دروغ می گوید و مردم را فریب میدهد. از این گذشته او استدلال می کند که مصرف کنندگان بنزین بیشتر کسانی هستند که قادرند، افزایش ۲۰ ریال در هر لیتر بنزین را بپردازند.

اولاً اکثر کسانی که باید این مالیات ۲۰ ریال بر هر لیتر بنزین را بپردازند، توده های خرده بورژوازی هستند که در شرایط بحران اقتصادی موجود، شدیداً زیر فشارهای مادی قرار گرفته اند، و این افراد صدونه سرمایه داران که با این مالیات غیرمستقیم را بردوش می کشند. برای سرمایه داران نه ۲۰ ریال، بلکه ۲۰۰ ریال هم سالها نیست، آنها با استثماری بیشتر کارگران و غارت بیشتر خلقهای میهن ما چند صد برابر این مبلغ را تامین می کنند. ثانیاً مسئله ای که از اهمیت بیشتری

بعوض افزودن بر مالیاتهای سرمایه داران و زمینداران، بر مالیاتهای غیرمستقیم افزوده است.

نخست وزیر محمد علی رجایی در مصاحبه رادیو تلویزیونی خود که چهارشنبه ۱۵۹/۸/۲۱ ز صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد، در پاسخ به سؤال مربوط به علت افزایش بهای بنزین و سایر ما بخواهد، زندگی مردم بچندان استدلالات عوام فریبانه ای متوسل شد که حتی برای هر بیننده و شنونده نا آگاهی نیز بی پایه بودن آنها آشکار بود.

او بعوض پاسخگوئی به مسئله افزایش پیاپی قیمت ها و توسل دولت به افزایش مالیاتهای غیرمستقیم چنان صحبت می کند که گویا، مردم چیزی هم به دولت بدهکارند.

نخست وزیر در باره افزایش بهای بنزین می گوید که جمهوری اسلامی از مدتها قبل قصد افزایش قیمت بنزین را داشته و این امر نه در ارتباط با مسئله جنگ بلکه دقیقاً در رابطه با هزینه های بالای هر لیتر بنزین است.

معلوم نیست که آقای نخست وزیر در پاسخ باین سؤال مردم که اگر افزایش بهای بنزین در رابطه با تامین

رئیس کل بانک مرکزی...

بقیه از صفحه ۱

شده ایران در آمریکا بتوسط قطب زاده مطرح شد. در آن زمان میزان دارائی ها ۸ میلیارد دلار ذکر شده بود اما اکنون میزان این دارائی ها ۱۴ میلیارد دلار یعنی نزدیک ۱۰۰ میلیارد تومان ذکر می شود. نویری رئیس کل بانک مرکزی طی مصاحبه ای در روزنامه انقلاب اسلامی بتاريخ ۱۲/۸/۵۹ با این مسئله اشاره کرده و می گوید از ۱۴ میلیارد دلار ۸ میلیارد دلار آن متعلق به بانک مرکزی ایران، ۲ میلیارد متعلق به بانکهای دیگر، حدود ۲۰۰ میلیون دلار متعلق به موسسات کوچک از قبیل هواپیمائی ملی ایران و بالاخره ۲/۵ میلیارد دلار آن مربوط به پیشپرداختهای وزارت دفاع به آمریکا برای خریدهای تسلیحاتی است که نقدپرداخت شده و اجناس در آمریکا بلوکه شده است و مابقی سود حاصل از آنست و جود این پولها در بانکهای امپریالیستی و چند ملیتی چه مفهومی می تواند داشته باشد این امر چیزی جز ابقای قراردادهای اسارت بار اقتصادی و نظامی را توجیه نمی کند در غیر این صورت هیچگونه دلیلی برای باقیماندن این پولها در بانکهای امپریالیستی نمی تواند وجود داشته باشد البته شخص آقای نویری مخالف

بود و حتی از این نوع این قراردادها امتناع کرده بود و فرصت طلبان "کمینه مرکزی با آب و تاب و صرفاً برای اثبات مواضع بغایت فرصت طلبانه خود از لغو قراردادها و نظامی و اقتصادی بدون ذکر موارد آن سخن می راندند (ارگان سراسری شماره ۷۸ مقاله صدور ضداقلاب)

اکنون ریاست بانک مرکزی از با برجائی قراردادها بعنوان عملی انقلابی سخن می راند، او حتی از فسخ برخی قراردادها بتوسط بختیار مزدور که در یک شرایط بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی و گسترش جنس توده ای سعی می کرد با توسل به این شیوه ها چند صباحی مدبوحانه به تحمیل توده ها بپردازد و حاکمیتش را تثبیت کند، انتقاد می نماید و تلویحاً ابقای قراردادهای نظامی و اقتصادی را با توجیهاتی فریبکارانه بیان می کند.

آیا سخنان نویری توجیهی جهت ابقای قراردادهای گذشته و انعقاد قراردادهای تازه نخواهد بود؟ اگر به سخنان نمایندگان مجلس که یکی از شروط آزادی گروگانها را بازگشت به شرایط ۲۳ آبان یعنی بازگشت به معاهدات قبل از تحریم اقتصادی توجه کنیم، می بینیم دولت ایران از آمریکای جنایتکارا استدعا می کند قراردادهای قبلی را محترم شمارد و این امر یعنی

بقیه در صفحه ۱۹

لغو قراردادها هستند و آنجا که مدیر کل بانک مرکزی دولت جمهوری اسلامی می باشد، نظرایشان بی انگریست اقتصادی دولت جمهوری اسلامی است نویری در این مصاحبه می گوید: "البته در این مورد قراردادهایی که در زمان شاه بسته شده است به مسئله خیلی مهمی بر میخوریم و آن اینست که می دانیم بختیار آلت دست و ابزار کار آمریکا بود بنا بر این در زمانیکه در قدرت بود مقداری از قراردادهای ما با آمریکا را یک طرفه فسخ کرد و شعارش این بود که این کار یک کار انقلابی است، در صورتیکه عکس این قضیه صادق است به این صورت که فرضاً شما هواپیمای بوئینگ از آمریکا خریده اید و روز خرید قیمت این هواپیماها ۲۰ میلیون دلار است ولی بعد از دوسه سال قیمت این هواپیما ۸۰ میلیون دلار است، الان مثلاً هلی کوپترهایی که ما در ایتالیا داریم و هنوز به ما ندادند و دولت ایتالیا به خاطر دستور کار ترطلوی تحویل آنها را به ایران گرفته، ما در این مورد قراردادهایمان را لغو کرده ایم و اگر این قراردادها را لغو کنیم دولت ایتالیا می تواند اینها را به سه برابر قیمتی که در آن زمان به ما فروخته فوراً بفروشد یعنی چون احتیاج زیادی به این نوع کالاهای قیمتهای آنها سرعت بالایی می رود، اگر دولت تاکنون در مورد قراردادهای گذشته سکوت اختیار کرده

قسمتی از اعلامیه پشتیبانی بخشی از دانش آموزان پیشگام مشهد

"اکثریت کمیته مرکزی" بنا به مصالح خویش از برخورد صریح با حاکمیت گریزان و عمده ترین وظیفه خود را برخورد با گذشته قلمداد میکند. ورفقای اقلیت را پای بند به (مشئوبه چریکی) می دانند! چرا؟
زیر ارفقای اقلیت به اصول مارکسیسم - لنینیسم وفادار بوده و به آموزش لنین پای بندند که "مسئله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکمان است. بدون توضیح این مسئله نمی توان از هیچگونه شرکت آگاهانه در انقلاب و به طور اولی از رهبری آن صحبت کرد." (لنین قدرت دوگانه) برخلاف نظر کمیته مرکزی که در مبارزه با ییدنولوژیک مشی گذشته سازمان را عمده میکند
حال وظیفه دانش آموزان انقلابی است که به میان توده ها رفته و برای کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان میهنمان توضیح دهند که:
چرا یکسال ونیم بعد از قیام هنوز مشلات اساسی آنان بیگاری، گرانی و مسکن حل نشده است؟
چرا دانش آموزان، دانشجویان و مبارزان انقلابی که در زمان رژیم ضد خلقی شاه خائن به خاطر منافع زحمتکشان مبارزه کردند و حماسه هائی همانند ۱۶ آذرها، ۱۳ آبانها و آفریدمانند اکنون مورد تهاجم ارگانهای سرکوب هیئت حاکمه قرار میگیرند و زندانهای جمهوری اسلامی از این انقلابیون پراست...؟
در این شرایط وظیفه خود دانسته با حمایت و پشتیبانی از جناح انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "اقلیت" به افشاء سیاستهای اپورتونیستی حاکم پسر "اکثریت کمیته مرکزی" دست زد و مباروشن نمودن نقطه نظرات سازشکاران آنها را برای هواداران و توده های زحمتکش میهنمان پرچم خونین رژیم کارگران و زحمتکشان را همچنان برافراشته داریم.

ناب - و دبا داپورتونیسم درهمه جا - و ه ای رنگارنگ - ش
مرگ بر امپریالیسم جهانی - سرکردگی امپریالیسم آمریکا - و پایگاه داخلی - ش
بخشی از دانش آموزان پیشگام مشهد
۵۹/۵/۲۵

با اتحاد و مبارزه کارگران پالایشگاه آبادان...

بقیه از صفحه ۳

روید؟ چرا خود و خانواده هایتان به شهرهای جنگ زده نمیروید که سرمشق باشید؟ آقای خامنه ای اگر راست میگوید برود در آبادان و از این نطق ها بکند، برود در دانشگاه سخنرانی کردن که کاری ندارد.

یکی از این کارگران در دنباله حرفهای خود گفت: "ما همان هائی هستیم که شما و همه همردیفهایتان میگویند گلولی دولتها در دست شماست"، بله گلولی دولت در دست ماست، الان هم اگر بخواهیم میتوانیم همان کار را بکنیم.

توانیم گلولی دولت را بفشاریم". نمایندگان کارگران و کارکنان به تفصیل از اوضاع و احوال همه کارکنان و کارگران سخن گفتند. سرانجام کارگران توانستند با یکپارچگی و اتحاد محکم خود وزیر را مجبوره پس گرفتن بخشنامه مزبور کنند. آخرین تصمیمی که گرفته شد با این ترتیب بود که کارکنان پالایشگاه آبادان در صورت لزوم به پالایشگاههای تهران، شیراز، تبریز و هرکجای دیگر که لازم باشد بروند کار کنند. البته کارگران این را در صورتی قبول کردند که خانواده شان نیز از نظر مسکن و سایر احتیاجات تامین بشوند.

جنگ آمده بودند و نفرت از جنگ را با تمام وجودشان فریاد میزدند. آنها خطاب به معاون وزیر نفت گفتند: شما از حال و روز ما بی خبرید، شما در زیر پامبارانها نیستید، شما در اتانها اتان نشسته اید و دستور میدید و بخشنامه صادر میکنید، شما آقای معاون وزیر در خانه امن و راحتان نشسته اید و فریاد میکشید که سنگرها را خالی نکنید، از شما میپرسم مگر در سنگرهای عراقی زرنو بچه های عراقی هستند که با ما می جنگند؟ وقتی پالایشگاه خراب شده و از کار افتاده، وقتی آنجا شب و روز بمباران میشود، وقتی ما دست خالی هستیم و هیچکاری از ما ساخته نیست و آتش عراقی ها هم مدام بر سر ما میبارد ما چه کار باید بکنیم؟ چرا خانواده های ما باید زیر آتش بمباران زمین بروند؟ آقای بوشهری دست نگهبان شما چیست؟ تفنگ (ام - یک) یا آبا (ام - یک) می شود با خمپاره جنگید؟ ما در آبادان حتی این راهم نداشتیم، یعنی این راهم بمانداند، به آنها هم که بلد بودند ندادند، آنوقت بما میگوئید برگردید آبادان، سنگرها را خالی نکنید! شما آقای معاون وزیر، آقای وزیر و همان آقای خامنه ای که در دانشگاه نطق میکند چرا خود و خانواده هایتان به جبهه نمی

رئیس کل بانک مرکزی...

بقیه از صفحه ۱۸

تقاضای ایران برای بازگشت به شرایط گذشته آنقدر وقیحانه است که مزدوری چون یزدی را به اعتراض مصلحتی وامیدارد.

اما نکته دیگری که نوبری بیان میپردازد مسئله عدم امکان خروج پولها از بانکهای امپریالیستی است و از این مسئله وحشت دارد که مردم از دولت بخواهند که پولهای ایران را از بانکهای امپریالیستی خارج سازد و برای پیشگیری از آن میگوید: "ایمن ۱۴ میلیار دلار را نمی شود در آن واحد از آمریکا و بانکهای اروپائی مستقل کرد یعنی حتی اگر این پولها را بخواهیم یک روزه مستقل کنیم بازار پولی، بین المللی بهم می خورد و سیستم پولی بین المللی بهم می خورد و این پولها هم به صورت اسکناس نیست و انتقالش مدت ها طول می کشد و این مسئله ایست که ما در آینده حتما خواهیم داشت و باید اقدامات لازم برای این کار حتما انجام شود" (همان روزنامه) مدیر کل بانک مرکزی دولت

جمهوری اسلامی از درهم ریختن بازار پولی بین المللی احساس نگرانی می کند و دلیل آن نیز روشن است، چرا که پیوند سرمایه مالی در سطح جهان این اصل را می طلبد که سرمایه داران و نظریه پردازان سرمایه داری، منافع طبقاتی خویش را در محدوده یک کشور ندیده بلکه آنرا جهانی ارزیابی کنند.

مروری بر سخنان نوبری یکبار دیگر صحت گفتار ما را مبنی بر این نکته حاکمیت کنونی ضد امپریالیست نبوده بلکه خواهان روابط اقتصادی - سیاسی و نظامی با امپریالیستها می باشد با شکارترین وجه، نشان میدهد.

بقیه از صفحه ۲۵

حاکمیت "حاکمیتی ملی و مترقی" و نیز "دمکرات و انقلابی" نیست. اما علیرغم سرکوبی توده های زحمتکش این منطقه در آینده، توسط خانهای سنجابی و امثالهم که از حمایت کامل رژیم جمهوری اسلامی برخوردارند (بزیان دیگر حکومت از آن خودشان است)، سرمایه داران و مالکینی که قدرت را در دست دارند جان سالم از دست خلقهای قهرمان ایران بدر نخواهند برد و خانهای سنجابی هم ار این فاعده مستثنی نیستند.

چرا خانهای سنجابی آزاد شدند!

هم اکنون با عوض شدن استاندار سابق و آمدن استاندار جدید که از جناح لیبرالهاست و همچنین بدست گرفتن ریاست بسیج عشائری غرب توسط کریم سنجابی که میان یاران و همدستان خود اسلحه پخش کرده است، قدرت عملا در این استان بدست لیبرالها افتاده و تکلیف زمینهای تقسیم شده از حال معلوم است.

هم اکنون برای اکثریت زحمتکشان این مناطق ثابت نده است که ایمن

اعتصاب تاکسیرانان

رانندگان تاکسی میگویند: اگر دولت راست میگوید چرا هنوز مابه التفاوت چهارریال گران شدن نرخ قبلی بنزین را بماند داده است

و تحمیل رانندگان تاکسی داشت. اما رانندگان همچنان ایستادگی کردند. روز پنجشنبه بنیست و دوم آبان نیز اعتصاب رانندگان تاکسی ادامه یافت. در این روز شش نفر از رانندگان تاکسی توسط پاسداران دستگیر شدند اما مقاومت رانندگان باعث آزادی آنها شد.

طرحی که رانندگان تاکسی ارائه دادند این بود که برای تسهیل کار و رعایت بهای ۵۰ ریال، ده جایگاه فروش بنزین به تاکسیرانان اختصاص باید. حدود ساعت یک بعد از ظهر رانندگان بمنظور افشای حاکمیت و اثبات حقانیت خواستهای خود دست به راهپیمایی زدند، سرانجام پس از بازگشت به محل اتحادیه، نماینده دادستان در آنجا حضور یافت و سپس از توضیح و تفسیرهای کذائی در مورد مساله جنگ و غیره گفت: "کسی حق ندارد پلاک شما را بکند (شهردار را تپلا گفته بود که اگر رانندگان کار نکنند پلاک آنها را میگیریم) و در پایان اظهار داشت که فعلا شنبه بروید و هزار تومان از بانک ملت بگیرید تا ما هفته آینده پانزده پمپ بنزین در اختیار شما بگذاریم تا شما بتوانید بنزین را بتری ۵۰ ریال تهیه کنید". رانندگان تاکسی نیز علیرغم بی اعتمادی شان نسبت به حاکمیت و وعده و وعیدهای آن، گفتند "ما تا اول آذر ماه صبر میکنیم و اگر به خواسته های خود نرسیم دوباره دست با اعتصاب خواهیم زد."



در میادین، چهار راهها و جایگاههای فروش بنزین جمع شده و از سایر همکاران خود خواستند جلوسا ختمان اتحادیه تاکسیرانان جمع شوند. لازم بنذکر است که این اتحادیه همیشه اقدامات دولت حامی سرمایه داران را علیه زحمتکشان تأیید نموده است. این مساله را بسیاری از رانندگان تاکسی چنین بیان می داشتند که "اتحادیه تاکسیرانی هیچگونه نمایندگی از طرف ما رانندگان نداشته بلکه همیشه در جهت از بین بردن تشکل و حقوق رانندگان اقدام نموده است." بمرور تعداد زیادی از رانندگان جلواتحادیه جمع شده و یکمدا خواهان تحویل بنزین بقیمت لیتری ۵۰ ریال بودند. رانندگان تاکسی می گفتند: "چطور ۴۸۰۰ تومان مابه التفاوت چهار ریال را هنوز نداده اند ولی الان میخواهند ما هیانه ۲۱۰۰ تومان مابه التفاوت بپردازیم." آنها می گفتند "دولت میخواهد از تاکسی و وانت باج بگیرد" و شعار میدادند: "نه باج میدهیم و نه میگیریم". آنها معتقد بودند که "عقب نشینی در این مورد بمعنای تحمیل این هزینه به مسافری است."

در این اثنا تعدادی از پاسداران مسلح جمهوری اسلامی و تعدادی با لباس شخصی بمیان رانندگان آمده و بشیوه های مختلف از جمله توهین و تهدید به کندن پلاک تاکسی ها و زدن برچسب "ضدانقلاب" به رانندگان تاکسی متوسل شدند. انجمن اسلامی تاکسیرانان نیز بر و آل همیشگی خود سعی در ایجاد تشنت و تفرقه

با افزایش بهای بنزین، دولت جمهوری اسلامی بمدت چند روز با تبلیغات وسیع از راه دیو و تلویزیون اعلام کرد که بمنظور تسهیل حمل و نقل مسافری و برای اینکه به اقشار زحمتکش جامعه فشار وارد نشود، بهای هر لیتر بنزین برای تاکسی، وانت و موتور همان ۵۰ ریال در نظر گرفته شده است. صبح روز بیست و یکم آبان ماه رانندگان تاکسی در جایگاههای بنزین متوجه شدند که باید در ازای هر لیتر بنزین مبلغ سی ریال بپردازند. این امر موجب خشم و نفرت رانندگان تاکسی و وانت بار قرار گرفت. آنها بزودی دریافتند که دولت جمهوری اسلامی در این چند روز بخاطر جلوگیری از اعتراض رانندگان با آنها دروغ گفته است و آنها را با اصطلاح غافلگیر نموده است.

با اوجگیری اعتراض رانندگان تاکسی و وانت بار، سردمداران جمهوری اسلامی اعلام کردند که رانندگان محترم تاکسی و وانت آگاهی داشته باشند که مابه التفاوت ۵۰ تا ۳۰ ریال با آنها مسترد خواهد شد. اما رانندگان می گفتند چرا میخواهید بیست ریال اضافی را از ما بگیرید و بعد آنرا پس بدهید؟ بسیاری از رانندگان با توجه به تجربه های پیشین خود معتقد بودند که این نیز یک توطئه و دروغ است آنها می گفتند اگر دولت راست میگوید پس چرا مابه التفاوت بنزین سال قبل را که چهار ریال برای هر لیتر بوده هنوز بماند نداده است.

چیزی نگذشت که رانندگان تاکسی

کشاورزان کرمانشاه میپرسند: چرا خانهای سنجابی آزاد شدند؟

زمینهای مالکین بزرگ زدند. یکی از این مالکین که زمینهایش توسط کشاورزان مصادره شد، عسکرخان سنجابی است که تقریباً ده ماه پیش حدود ۵۰۰۰۰ (قنبره تفنگ از مقامات حکومتی در استان کرمانشاه گرفته بود تا با اصطلاح امنیت منطقه را حفظ کند. در جریان انتخابات مجلس، بین عسکرخان و استانداری اختلافاً پیش آمد و منجر به این شد که توسط هواداران حزب جمهوری اسلامی در کرمانشاه، علیه عسکرخان و پیارانش دادگاهی تشکیل شود اما جالب اینجاست که از آنجا که این حاکمیت از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع میکند، بعد از دادگاه مالکین را الوصف آزاد شدند و وعده ای از کشاورزان از ترس آنها فراری!

بقیه در صفحه ۱۹

مرا چوب زد و فلج شدم، بیمارستان افتادم، عرچا هم که شکایت کردم جوابی نشنیدم. رئیس دادگاه گفت چرا با توجین کردی؟ کشا و رزگفت: "آقا من فقط با و گفته بودم ختم زابده".

پس از قیام بهمن ماه پنجاه و هفت، کشاورزان این منطقه نیز همانند بقیه مردم قهرمان ایران، بگمان اینکه "حاکمیتی ملی و مترقی" جایگزین حاکمیت ضد خلقی گذشته شده است، منتظر ماندند تا زمینهای تمام مالکین بزرگ مصادره شده و خودشان نیز محاکمه شوند، اما پس از گذشت زمانی چند، در تجربه روزمره خود دریافتند که این حاکمیت به هیچوجه در فکر دفاع از منافع آنان نیست. آنها خودشان، بهار امسال در قسمتهای از مایدشت دست بمصا دره انقلابی

مالکین سنجابی، عسکرخان سنجابی، شاه ما رخا، کریم خان و محمدخان از جمله آستان بوسان رژیم گذشته هستند که سالهای زیادی کشاورزان منطقه کرمانشاه را تحت ظلم و ستم خود قرار داده اند، آنها هر کدام صدها هکتار زمین دارند. کشاورزان این منطقه بخوبی این مالکین را می شناسند چرا که سالهای سال "رعیت" و تحت ستم آنها بوده اند. ظلم و ستم این فئودالها که هر یک سابقه ای طولانی در فساد اخلاق، تهور و تجاوز و تخریب و آزار مردم دارند، بر روستائیان ستم دیده راهبتر است از زبان یکی از زحمتکش ندر دادگاه با اصطلاح انقلاب که در مرداد ماه جهت محاکمه این ز الوصفان تشکیل شده بود تصویر کنیم:

کشاورزان زحمتکش می گفت: "آقا این مالک

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی